

معرفی شاخص‌های جهانی سنجش افکار عمومی (۴): شاخص‌های سنجش فقر ذهنی





عنوان: معرفی شاخص های جهانی سنجش افکار عمومی (۴): شاخص های سنجش فقر ذهنی
تهیه و تدوین: ملیحه سپاسگرشهری
واژه های کلیدی: فقر، فقر ذهنی، رویکرد کیفی، رویکرد کمی، تکنیک های خط فقر ذهنی، محرومیت
و طرد اجتماعی
ناشر: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

Doi: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21961>

permanent link: https://report.mrc.ir/article_12009.html

Publisher: Islamic Parliament Research Center of Iran

**عنوان: معرفی شاخص‌های جهانی سنجش افکار عمومی (۴): شاخص‌های
سنجش فقر ذهنی**

نوع گزارش: طرح / لایحه ☐، نظارتی ☐، راهبردی ☒، پیش‌نویس قانونی ☐

نام دفتر: افکارسنجی ملت

مدیر مطالعه: محمدجواد بادین‌فکر

ناظران علمی: علی داوری، وحید کشافی‌نیا، محمدرضا عبدالهی، شهاب‌الدین

فولادی مقدم، سیدسالار اجتهد‌نژاد کاشانی

گرافیک و صفحه‌آرایی: نیلوفر سادات حسینی پویا

ویراستار ادبی: زهره عطاردی

تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱



چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۹
۲. تعریف فقر.....	۱۰
۳. دیدگاه‌های نظری در مورد فقر.....	۱۱
۳-۱. عوامل فردی.....	۱۱
۳-۲. عوامل ساختاری.....	۱۲
۳-۳. عوامل محیطی و فرهنگی.....	۱۳
۴. انواع فقر در رویکرد عینی.....	۱۵
۴-۱. فقر مطلق.....	۱۵
۴-۲. فقر نسبی.....	۱۵
۴-۳. فقر چندبعدی.....	۱۶
۴-۴. محدودیت‌های رویکرد فقر عینی.....	۱۶
۵. رویکرد ذهنی به فقر.....	۱۷
۵-۱. تعریف فقر ذهنی.....	۱۷
۵-۲. روش‌های اندازه‌گیری فقر ذهنی.....	۱۸
۵-۲-۱. رویکرد کیفی.....	۱۹
۵-۲-۲. رویکرد کمی پولی.....	۲۳
۶. تکنیک‌های تخمین خط فقر ذهنی بر اساس سؤالات کمی پولی.....	۲۴
۶-۱. خط فقر ذهنی لیدن.....	۲۵
۶-۲. روش نقطه تقاطع.....	۲۶
۶-۳. خط فقر شبه لیدن.....	۲۸
۶-۴. تکنیک مبتنی بر داده‌های دوگانه و شاخص یودن جی.....	۲۹
۷. مطالعات موردی: سنجش فقر ذهنی.....	۳۱
۷-۱. آمریکا.....	۳۱
۷-۲. فقر ذهنی در مالزی.....	۳۱
۷-۳. بریتانیا.....	۳۳
۷-۴. فقر ذهنی در عرب بارومتر.....	۳۳
۷-۵. سنجش فقر ذهنی در مرکز تحقیقات پیو.....	۳۴
۷-۶. سنجش فقر ذهنی در اتحادیه اروپا.....	۳۴
۸. نتیجه‌گیری.....	۳۵
۹. پیوست: (سؤالات).....	۳۹
منابع و مآخذ.....	۴۶

فهرست جداول

جدول ۱. رویکردهای نظری در تبیین فقر و متغیرهای کلیدی هر رویکرد.....	۱۴
جدول ۲. مقایسه تطبیقی انواع فقر در رویکردهای عینی.....	۱۶
جدول ۳. تعریف فقر ذهنی از نظر صاحب نظران مختلف.....	۱۷
جدول ۴. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی بررسی وضعیت اقتصادی کلی افراد در گروه شناسایی (۲۰۲۴).....	۱۹
جدول ۵. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی بررسی وضعیت اقتصادی کلی افراد در گروه ارزیابی (۲۰۲۴).....	۲۰
جدول ۶. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی بررسی وضعیت اقتصادی کلی افراد در گروه پیش‌بینی (۲۰۲۴).....	۲۱
جدول ۷. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی تمرکز بر کفایت درآمد در گروه ارزیابی (۲۰۲۴).....	۲۲
جدول ۸. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی تمرکز بر کفایت درآمد در گروه پیش‌بینی (۲۰۲۴).....	۲۲
جدول ۹. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کمی / سؤال حداقل درآمد (۲۰۲۴).....	۲۳
جدول ۱۰. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کمی پولی / سؤال ارزیابی درآمد (۲۰۲۴).....	۲۴
جدول ۱۱. سؤال رویکرد کمی پولی / سؤال حداقل هزینه (۲۰۲۴).....	۲۴
جدول ۱۲. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کمی پولی / سؤال دلیک (۲۰۲۴).....	۲۸
جدول ۱۳. ابعاد، شاخص‌ها و وزن‌های فقر ذهنی در کشور مالزی.....	۳۲
جدول ۱۴. سؤالات فقر ذهنی در عرب بارومتر.....	۳۳
جدول ۱۵. سؤالات فقر ذهنی در مرکز تحقیقات پیو.....	۳۴
جدول ۱۶. سؤال فقر ذهنی در اتحادیه اروپا.....	۳۴
جدول ۱۷. مقایسه رویکردها و شاخص‌های فقر ذهنی.....	۳۶

فهرست شکل‌ها

شکل ۱. خط فقر ذهنی براساس روش نقطه تقاطع.....	۲۶
شکل ۲. خط فقر ذهنی براساس شاخص بودن جی.....	۳۰



معرفی شاخص‌های جهانی سنجش افکار عمومی (۴): شاخص‌های سنجش فقر ذهنی

چکیده



فقر می‌تواند به صورت مستقیم براساس میزان مصرف یا غیرمستقیم (براساس درآمد) اندازه‌گیری شود. هر دو روش، یعنی سنجش مستقیم و غیرمستقیم، در دسته سنجش‌های عینی فقر قرار می‌گیرند. با این حال، این شاخص‌ها برای پوشش دادن تمامی ابعاد فقر کافی نیستند و تجربه زیسته افراد و ادراک ذهنی آنها از فقر را در نظر نمی‌گیرند. فقر ذهنی^۱ به ارزیابی فرد از وضعیت اقتصادی خود اشاره دارد و به عنوان مکمل سنجش فقر عینی^۲ محسوب می‌شود. این گزارش با مرور ادبیات نظری در زمینه علت فقر و رویکردهای عینی و محدودیت‌های آنها در سنجش فقر، به بررسی مفهوم فقر ذهنی و شیوه‌های سنجش آن مانند رویکردهای کمی و کیفی و تکنیک‌هایی مانند لیدن^۳ و نقطه تقاطع^۴ می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد فقر ذهنی و عینی هم‌پوشانی کامل ندارند و سنجش ذهنی فقر می‌تواند نارضایتی‌های پنهان را آشکار کند. پیشنهاد اصلی، استفاده ترکیبی از هر دو رویکرد برای سیاست‌گذاری دقیق‌تر است.

-
1. Subjective Poverty
 2. Objective Poverty
 3. Leyden Poverty Line (LPL)
 4. Intersection Method

بیان/شرح مسئله

فقر مفهومی پیچیده است که تعریف جامع و پذیرفته شده‌ای برای آن وجود ندارد؛ همچنین روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری آن وجود دارد. فقر یک مشکل جهانی است و محدود به فقیرترین کشورها نیست؛ این پدیده در درجات مختلف وجود دارد و نمی‌توان افراد را به‌سادگی به دودسته «فقیر» و «غیرفقیر» تقسیم کرد. این پیچیدگی در گزارش‌های رسمی نهادهای بین‌المللی نیز قابل مشاهده است. برای نمونه، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ در پروژه «توزیع درآمد و فقر»، فقر را در قالب سطوح مختلف عینی و درآمدی بررسی می‌کند. این رویکرد، هرچند مبنای اصلی پایش و مقایسه‌های سیاستی است، عمدتاً بر شاخص‌های عینی تمرکز دارد و تجربه زیسته افراد از فشار اقتصادی را به‌طور مستقیم منعکس نمی‌کند [۱].

رویکردهای عینی سنجش فقر معمولاً حالت بالاب‌پایین دارند. در این روش‌ها، کارشناسان تعیین می‌کنند که چه سطحی از مصرف یا درآمد به‌عنوان فقر محسوب شود. این خط فقر به‌صورت «عینی» و ثابت در نظر گرفته می‌شود. باین‌حال، همیشه روشن نیست که خانواری که طبق تعریف عینی فقر «فقیر» شناخته می‌شود، خود را فقیر بداند. درعین‌حال، بعضی خانوارها که خودشان را فقیر احساس می‌کنند، ممکن است «غیرفقیر» طبقه‌بندی شوند [۲].

مجموعه این ملاحظات نشان می‌دهد که برای درک کامل‌تر فقر و رفاه واقعی خانوارها، توجه به ادراک و تجربه خود افراد از وضعیت اقتصادی‌شان ضروری است. این ضرورت زمینه‌ساز شکل‌گیری رویکردی شده است که فقر را نه‌تنها براساس شاخص‌های عینی، بلکه بر مبنای ارزیابی ذهنی افراد از شرایط زندگی‌شان مورد سنجش قرار می‌دهد؛ رویکردی که از آن با عنوان فقر ذهنی یاد می‌شود.

برای سنجش فقر ذهنی، رویکردهای متنوعی توسعه یافته‌اند. برخی از رویکردها، مانند رویکرد کیفی، بر ارزیابی کلی وضعیت اقتصادی افراد تمرکز دارند؛ برخی دیگر بر ادراک افراد از هزینه‌ها، مخارج، وضعیت درآمدی و بر احساس رضایت آنها از زندگی و درآمد تأکید می‌کنند؛ برخی درصدد تعیین خط فقر ذهنی در سطح ملی هستند و دسته‌ای دیگر با بررسی نیازهای اساسی، به سنجش محرومیت از ضروریات زندگی می‌پردازند. تاکنون هیچ‌یک از این روش‌ها به‌عنوان استاندارد جهانی پذیرفته نشده‌اند. هدف این گزارش بررسی این رویکردها به‌منظور انتخاب روشی مناسب برای سنجش فقر ذهنی در ایران است.



نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

- فقر پدیده‌ای پیچیده، چندبعدی و نسبی است و صرفاً به کمبود درآمد محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد روانی، ادراکی و اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد.
- شاخص‌های عینی فقر (درآمد، مصرف، هزینه) اگرچه برای پایش رسمی ضروری‌اند، اما قادر به سنجش فشارهای معیشتی، احساس ناامنی اقتصادی و ادراک محرومیت نسبی نیستند.
- باین حال سنجش فقر ذهنی نباید جایگزین سنجش فقر عینی (پولی و درآمدی) شود، بلکه باید به‌عنوان مکمل آن در نظر گرفته شود.
- دو رویکرد کمی و کیفی برای سنجش فقر ذهنی وجود دارد. هر رویکرد ممکن است بخش‌های متفاوتی از فقر را نشان دهد.
- رویکرد کیفی نقش کلیدی در سنجش فقر ذهنی دارد، سؤالات کیفی مورد استفاده در کشورهای عضو کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (در قالب شناسایی، ارزیابی و پیش‌بینی وضعیت اقتصادی و کفایت درآمد) امکان درک مستقیم احساس مردم نسبت به وضعیت مالی فعلی، گذشته و آینده را فراهم می‌کنند.
- در رویکرد کمی، سؤال حداقل درآمد^۱ به‌دلیل سادگی، قابلیت فهم و امکان اجرا در پیمایش‌های گسترده کاربردی‌ترین سؤال کمی سنجش فقر ذهنی است.
- تکنیک‌های مختلف تخمین خط فقر ذهنی وجود دارد، تکنیک‌هایی مانند خط فقر لیدن، روش نقطه تقاطع، خط فقر شبه لیدن^۲ و تکنیک مبتنی بر شاخص یودن جی^۳ مبتنی بر مفروضات متفاوت‌اند و لزوماً به یک خط فقر واحد منجر نمی‌شوند. انتخاب روش باید متناسب باهدف تحلیل و نوع داده‌ها صورت گیرد.
- یکی از رویکردهای سنجش فقر ذهنی، ارزیابی فهرست ضروریات زندگی از دیدگاه مردم و اندازه‌گیری میزان محرومیت از آنهاست. در این رویکرد، ضروریات نه براساس شاخص‌های از پیش تعیین شده، بلکه بر مبنای هنجارها و قضاوت جمعی افراد جامعه شناسایی و به‌عنوان معیار ارزیابی فقر به کار گرفته می‌شوند. مزیت این روش در نزدیک کردن معیارهای سنجش فقر به استانداردهای اجتماعی و تجربه زیسته افراد است.
- جمع‌بندی شواهد نشان می‌دهد که هیچ شاخص یا مدل واحدی را نمی‌توان به‌عنوان بهترین ابزار سنجش فقر ذهنی در همه زمینه‌ها معرفی کرد. بر این اساس، استفاده از یک ابزار ترکیبی کوتاه که به‌طور هم‌زمان سؤالات خودارزیابی، ارزیابی کفایت درآمد، تجربه محرومیت از ضروریات و یک سؤال پولی حداقل درآمد را دربرگیرد، می‌تواند پوشش جامع‌تری از ابعاد فقر ذهنی فراهم کند و درعین حال برای پیمایش‌های تلفنی، مناسب و کم‌هزینه باشد.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاسی

- تدوین چارچوب بومی سنجش فقر ذهنی متناسب با شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران با بهره‌گیری از مطالعات بین‌المللی،
- الزام مراکز آماری و افکارسنجی به گنجاندن شاخص‌های فقر ذهنی در کنار شاخص‌های فقر عینی (درآمدی و چندبعدی) در پیمایش‌های ملی،
- پایش مداوم فقر ذهنی برای شناسایی زودهنگام نارضایتی‌ها و پیشگیری از بحران‌های اجتماعی.

1. Minimum Income Question (MIQ)

2. Quasi Leyden Poverty Line

3. Youden J index

۱. مقدمه

فقر در سطح جهانی به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی توسعه شناخته می‌شود و کاهش آن در دستور کار سیاستگذاری بسیاری از کشورها قرار دارد. در همین راستا، اهداف توسعه پایدار^۱ که در سال ۲۰۱۵ تصویب شد «پایان دادن به فقر در همه اشکال آن در سراسر جهان» را به‌عنوان نخستین هدف تا افق ۲۰۳۰ تعیین کرده است. با این حال، تجربه کشورهایی مانند چین نشان می‌دهد که حتی در صورت کاهش یا ریشه‌کنی فقر مطلق، نمی‌توان ادعا کرد که فقر به‌طور کامل از میان رفته است؛ چراکه فقر مفهومی چندبعدی دارد و اشکال نسبی و غیرمادی آن می‌تواند در بلندمدت تداوم یابد. به‌طور سنتی، فقر عمدتاً به‌عنوان مفهومی عینی تلقی می‌شد و سنجش آن بر شاخص‌های اقتصادی، به‌ویژه درآمد و برخورداری مادی، استوار بود. با این حال، تفاوت‌های فردی در مدیریت منابع، ناهمگنی‌های منطقه‌ای در سطح قیمت‌ها و شرایط زندگی و نیز محدودیت‌های ذاتی شاخص‌های صرفاً درآمدی، نشان داد که چنین رویکردی قادر به بازنمایی کامل تجربه فقر نیست. در همین چارچوب، پژوهشگران به تدریج به این نتیجه رسیدند که فقر تنها یک وضعیت مالی نیست، بلکه دارای ابعاد ذهنی و ادراکی نیز است که در سنجه‌های متعارف نادیده گرفته می‌شود.

مفهوم فقر ذهنی با تمرکز بر ارزیابی افراد از وضعیت خود، افق جدیدی در درک و سنجش فقر گشوده است. در این رویکرد، پاسخ به پرسش‌هایی نظیر «چه کسی فقیر است؟» یا «خط فقر کجاست؟» دیگر صرفاً بازتابی از برآوردهای عینی نیست، بلکه به احساس محرومیت، مقایسه اجتماعی و انتظارات افراد نیز وابسته است. مطالعات تجربی، از جمله محمود و همکاران (۲۰۱۸)، نشان می‌دهد که فقر عینی و فقر ذهنی لزوماً هم‌پوشانی کامل ندارند و تحت تأثیر عوامل متفاوتی شکل می‌گیرند. از این رو، حتی در شرایطی که فقر مطلق کاهش می‌یابد، فقر ذهنی و احساس محرومیت نسبی ممکن است همچنان پابرجا بماند [۳].

درنهایت، توجه به فقر ذهنی نه باهدف جایگزینی سنجه‌های عینی، بلکه به‌منظور تکمیل آنها و دستیابی به درکی جامع‌تر از فقر صورت می‌گیرد. این رویکرد با هم‌گرایی با مفهوم رفاه ذهنی، فقر را فراتر از کمبود منابع مادی و به‌عنوان بخشی از تجربه زیسته و ادراک افراد از کیفیت زندگی بازتعریف می‌کند. از این منظر، شاخص‌های ذهنی می‌توانند ارزش‌افزوده مهمی برای رویکردهای کمی سنجش فقر ایجاد کرده و ابزار مؤثرتری برای تحلیل، سیاستگذاری و ارزیابی مداخلات اجتماعی فراهم آورند.



۲. تعریف فقر



برای درک دقیق‌تر فقر ذهنی و تمایز آن از سایر مفاهیم، ابتدا لازم است فقر تعریف شود: در تعریف رایج، فقر به شرایطی گفته می‌شود که در آن، فرد یا خانوار قادر به تأمین حداقل نیازهای ضروری خود برای زندگی نباشد. هرچند در تعیین حد ضرورت نیازهای زندگی مانند تغذیه مناسب، مسکن، بهداشت و آموزش اختلاف نظر وجود دارد، اما رویکرد آنها به فقر مشترک است [۴].

از نگاه سازمان ملل، فقر پدیده‌ای چندبعدی است که در کمبود درآمد، گرسنگی و سوءتغذیه، بیماری و نداشتن امکان درمان، بی‌خانمانی، ناامنی و انواع محرومیت‌های اجتماعی ظاهر می‌شود و در اصل به معنای محرومیت از رفاه است. بانک جهانی نیز فقر را ناتوانی در تأمین نیازهای پایه مانند غذا، مسکن مناسب، خدمات درمانی، آموزش و حداقل استانداردهای زندگی تعریف می‌کند و تأکید دارد که فقرا علاوه بر این کمبودها، در برابر خطرات و بی‌عدالتی‌های اجتماعی آسیب‌پذیرترند و در فرایندهای تصمیم‌گیری صدای کمتری دارند [۵].

سازمان ملل متحد فقر را فراتر از نیازهای مادی پایه تعریف می‌کند و آن را به عنوان محرومیت شدید از نیازهای اساسی انسانی و فقدان مشارکت در تصمیم‌گیری و زندگی مدنی، اجتماعی و فرهنگی توصیف می‌کند؛ همچنین تأکید دارد که این وضعیت می‌تواند در تمام کشورها و به اشکال مختلف مشاهده شود [۶].

درمجموع می‌توان گفت؛ فقر مفهومی چندبعدی است و شامل عدم توانایی در تأمین نیازهای پایه، محرومیت اجتماعی و فرهنگی و محدودیت در مشارکت و آسیب‌پذیری در برابر بی‌عدالتی می‌شود.

۳. دیدگاه‌های نظری در مورد فقر



فقر یکی از مسائل پیچیده اجتماعی و اقتصادی است که نظریه‌پردازان مختلف تلاش کرده‌اند علل و پیامدهای آن را توضیح دهند. رانک^۱ (۲۰۰۱) معتقد است؛ درک علل واقعی فقر از اهمیت زیادی در روشن ساختن اندیشه‌های ما پیرامون فقر دارد. به عقیده رانک، ادراک ما در مورد علل فقر را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود: عوامل فردی، عوامل محیطی و فرهنگی و عوامل ساختاری.

۳-۱. عوامل فردی

در نظریه فردگرایی، افراد مسئول وضعیت فقیرانه خود هستند، به‌عنوان مثال، نظریه‌پردازان محافظه‌کار سیاسی معتقدند افراد فقیر، با کار سخت‌تر و انتخاب‌های بهتر می‌توانند از دام فقر رهایی یابند؛ بنابراین خودشان عامل اصلی فقر هستند. شاخه‌ای دیگر از این نظریه، فقیر بودن را ناشی از ویژگی‌های ژنتیکی از قبیل هوش می‌داند که البته این رویکرد، با نقدهای جدی مواجه شده است. باور به فقر ناشی از کمبودهای فردی، سابقه‌ای دیرینه دارد و در سنت‌های مذهبی نیز دیده می‌شود؛ برخی از فرقه‌های مذهبی، نابینایی، زمین‌گیری یا نقص‌های فردی را به‌عنوان تنبیهی از سوی خداوند برای افراد یا والدین عاصی آنها می‌پنداشتند. نظریه فردگرایی ریشه در ارزش‌های آمریکایی و باور به نظام بازار آزاد دارد؛ نظامی که بر ایجاد فرصت برای همه تأکید دارد. این نظریه، بیشتر بر کار و مسئولیت‌پذیری فرد در تأمین نیازهای اساسی مانند غذا، مسکن و مراقبت‌های سلامتی تأکید می‌کند. از دیرباز آمریکا به‌عنوان مهد فرصت تصور می‌شده است، جایی که افراد با فرصت‌های فراوان برای دستیابی به رؤیای آمریکایی و موفقیت روبه‌رو هستند. براساس این دیدگاه استعداد و کار سخت عوامل موفقیت هستند و فقر فردی ناشی از ضعف افراد و فقدان انگیزه است. با این حال، رانک (۲۰۰۴) و مرتون^۲ (۱۹۵۷) معتقدند شواهد کمی برای تأیید این ادعا وجود دارد. افزون‌براین، مطالعات رانک (۲۰۰۴) و شوارتز^۳ (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که بسیاری از فقرا سخت‌کوشانه به کار مشغول‌اند. نظریه داروینیسم اجتماعی^۴ نیز فقر یا موفقیت افراد را ناشی از توانایی‌ها و قابلیت‌های زیستی آنان می‌داند. این نظریه بسط‌یافته اندیشه انتخاب طبیعی و تکامل زیستی انسان‌هاست. اسپنسر^۵ و ویلیام سامنر^۶ با تکیه بر نظریه انتخاب طبیعی چارلز داروین^۷ از آن برای تبیین علل اولیه فقر در جامعه استفاده کرده‌اند. آنها معتقدند زندگی اجتماعی، تجربه رقابت میان افراد، با ویژگی‌ها و توانایی‌های متفاوت است؛ به باور آنان افرادی که از توانایی‌های بیشتری برخوردارند، قادرند زندگی بهتری داشته باشند، درحالی‌که افراد ضعیف‌تر به تدریج حذف خواهند شد. از این منظر، دخالت دولت در کاهش فقر نادرست تلقی می‌شود، زیرا فقر این افراد سرنوشتی طبیعی و نتیجه فرایند انتخاب طبیعی دانسته می‌شود [۶].

1. Rank
2. Merton
3. Schwartz
4. Social Darwinism
5. Herbert Spencer
6. William Sumner
7. Charles Darwin



۲-۳. عوامل ساختاری

ساختارهای اقتصادی و اجتماعی از جمله عوامل اصلی فقر محسوب می‌شوند. از دیدگاه ساختاری، فقر نتیجه شرایط و نابرابری‌های موجود در سیستم اقتصادی و اجتماعی است و نه صرفاً تلاش یا توانایی فردی. پژوهشگران مانند بیگلی^۱ (۲۰۰۰) معتقدند ساختار اقتصادی آمریکا به گونه‌ای است که میلیون‌ها نفر را در فقر نگه می‌دارد، فارغ از مهارت یا تلاش فرد.

در همین راستا، دیویس و مورز^۲ (۱۹۴۵)، دو نظریه پرداز کارکردگرا، بر این باورند که تحلیل بازار کار و محرومیت اجتماعی می‌تواند علل ساختاری فقر را روشن تر کند. از دیدگاه نظریه کارکردگرا، فقر دارای کارکردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای جامعه، به ویژه برای حفظ منافع طبقه متوسط و ثروتمند است. این دیدگاه نشان می‌دهد که فقر نه تنها نتیجه ضعف فردی نیست، بلکه بخشی از نظم اجتماعی و سیستم اقتصادی گسترده تر محسوب می‌شود.

مارکس^۳ (۱۹۷۲) معتقد است که کار انسان هم مانند کالا ارزش دارد و ارزش هر کالا به میزان کاری که برای تولید آن انجام شده است، بستگی دارد. در نظام سرمایه داری، سرمایه داران تصمیم می‌گیرند چه مقدار از ارزش تولید شده به کارگران برسد و چه مقدار را خودشان نگه دارند. به همین دلیل، فقر کارگران نه به دلیل کم کاری یا کم مهارتی آنها، بلکه نتیجه ساختار اقتصادی و نابرابری‌های سیستم سرمایه داری است. از نظر کالهن^۴ (۲۰۰۲) این وضعیت باعث می‌شود که کارگران از محصول کار خود و حتی از خودشان بیگانه شوند و سود تولید شده عمدتاً به نفع سرمایه داران باشد.

مارکس (۱۹۷۲) نشان می‌دهد که رشد صنعتی شدن باعث افزایش آسیب پذیری کارگران در نظام سرمایه داری شده است. به عبارت دیگر، کارگران بیشتر در معرض فقر و استثمار قرار می‌گیرند. در این زمینه، دو مفهوم مهم برای توضیح علل اصلی فقر در کشورهای صنعتی مطرح شده اند: استثمار کارگران و محرومیت اجتماعی. تجربه استثمار و محرومیت اجتماعی نشان می‌دهد که فقر محصول ساختارهای اقتصادی و اجتماعی است، نه کم کاری فردی. علاوه بر این، تجربه و تکرار استثمار، همراه با محرومیت اجتماعی، فقر کارگران را تقویت و پایدار می‌کند و نشان می‌دهد که محرومیت اجتماعی می‌تواند شدت استثمار کارگران در بازار کار را افزایش دهد [۶].

1. Beeghley
2. Davis & Moores
3. Marx
4. Calhoun

۳-۳. عوامل محیطی و فرهنگی

فرهنگ فقر که نخستین بار توسط لوئیس^۱ در سال ۱۹۵۹ معرفی شد، با فقر اقتصادی متفاوت است. فقر اقتصادی تنها به کمبود منابع مادی اشاره دارد، اما فرهنگ فقر شامل باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی است که فقر را بازتولید می‌کنند. این فرهنگ به شکل یک خرده‌فرهنگ عمل می‌کند، روش زندگی خاص خود را دارد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. علاوه بر این، فرهنگ فقر تنها بازتاب محرومیت اقتصادی نیست، بلکه شامل رفتارها و استراتژی‌هایی است که افراد را در شرایط دشوار زندگی کمک به بقا و ادامه زندگی می‌کند.

یکی از ویژگی‌های اصلی فرهنگ فقر، عدم مشارکت مؤثر فقرا در نهادها و مؤسسات عمومی است. این مشکل ناشی از کمبود منابع، تبعیض، بدگمانی، ترس، بی‌علاقگی و نبود روش‌های ساده برای حل مسائل محلی است و حتی نهادهای کمک‌رسانی که تنها نیازهای حداقلی را تأمین می‌کنند، نمی‌توانند آن را برطرف کنند. علاوه بر این، شرایط اقتصادی محدود و درآمد اندک و نبود کار دائم، باعث کمبود دائمی پول و محدود شدن مشارکت در نظام اقتصادی می‌شود. در واکنش به این محدودیت‌ها، فقرا رفتارهایی را برای بقا در پیش می‌گیرند؛ اقداماتی مانند گرو گذاشتن اشیاء، وام با بهره بالا، خرید لباس و اثاثیه دست‌دوم و تهیه مواد غذایی به مقدار اندک در نوبت‌های متعدد روزانه. همچنین، عدم اعتماد و نقد نهادهای رسمی، بیزاری از پلیس و بدگمانی نسبت به دولت و حتی نهادهای دینی، بخشی از «فرهنگ فقر» است که می‌تواند زمینه‌ساز نارضایتی و اعتراضات اجتماعی شود. در سطح محله، فرهنگ فقر با خانه‌های خراب، ازدحام و نبود تشکیلات اجتماعی منظم مشخص می‌شود، هرچند گاه‌گاهی انجمن‌های داوطلبانه محلی شکل می‌گیرند و می‌توانند زمینه گذار به زندگی اجتماعی منظم‌تر و کاهش فرهنگ فقر باشند.

در سطح فردی، فرهنگ فقر شامل احساس بی‌ارزشی، درماندگی، متکی بودن به دیگران، تمرکز بر زمان حال، ناتوانی در چشم‌پوشی از لذت‌های آنی، میل به گوشه‌گیری، تحمل بالا نسبت به ناراحتی‌های روانی و شناخت محدود از جهان و تاریخ است. همچنین، اعتقاد به قضا و قدر، پایین بودن سطح خواسته‌ها و انگیزه‌های بلندمدت و پذیرش شرایط دشوار از ویژگی‌های اساسی این فرهنگ هستند. به این ترتیب، فرهنگ فقر ترکیبی از محدودیت‌های اقتصادی، ساختارهای اجتماعی ناکارآمد، نگرش‌ها و رفتارهای بجاگونه است که هم زندگی فقرا را سامان می‌دهد و هم شرایط بازتولید فقر را فراهم می‌آورد، مگر آنکه فرصت‌های آموزشی، اقتصادی یا جنبش‌های اجتماعی امیدبخش آن را تغییر دهند [۷].

مرور دیدگاه‌های نظری نشان می‌دهد که فقر پدیده‌ای تک‌علتی نیست، بلکه حاصل عوامل فردی، ساختاری و فرهنگی است. تمرکز یک‌جانبه بر نقش فردی، بدون توجه به محدودیت‌های ساختاری و شرایط نابرابر اجتماعی، به شکل‌گیری نگرش‌های تقصیرمحور نسبت به فقرا منجر می‌شود. از سوی دیگر، ساختارهای اقتصادی نابرابر و تجربه مستمر محرومیت اجتماعی، زمینه شکل‌گیری الگوهای رفتاری و نگرشی خاصی را فراهم می‌کنند که می‌تواند فقر را تقویت کند (جدول ۱).



جدول ۱. رویکردهای نظری در تبیین فقر و متغیرهای کلیدی هر رویکرد

رویکرد	توصیف نظری	متغیرهای کلیدی
عوامل فردی	نظریه فردگرایی و داروین‌یسم اجتماعی، فقر را ناشی از ضعف‌های فردی، کمبود انگیزه یا ناتوانی‌های زیستی می‌داند و آن را نتیجه طبیعی رقابت در بازار آزاد و فرایند انتخاب طبیعی تلقی می‌کند که مسئولیت آن صرفاً برعهده خود فرد است.	تلاش فردی، انتخاب‌های فردی، مسئولیت‌پذیری، انگیزه، مهارت
عوامل ساختاری	دیدگاه ساختارگرا و مارکسیستی، فقر را نه ناشی از ضعف فردی، بلکه محصول گریزناپذیر نابرابری‌های سیستماتیک، استثمار کارگران در نظام سرمایه‌داری و کارکردهای پنهان نظم اجتماعی می‌داند که آگاهانه میلیون‌ها نفر را در محرومیت نگه می‌دارد.	نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، ساختار بازار کار، استثمار، محرومیت اجتماعی، توزیع نابرابر فرصت‌ها و منابع
عوامل اجتماعی و فرهنگی	دیدگاه فرهنگ فقر، فقر را فراتر از کمبود مادی و به مثابه یک «خرده فرهنگ» و سبک زندگی می‌داند که شامل مجموعه‌ای از باورها، رفتارهای بقاگونه و احساس درماندگی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و باعث بازتولید فقر می‌گردد، مگر آنکه با مشارکت فعال اجتماعی و ایجاد امید تغییر یابد.	فرهنگ فقر، بی‌اعتمادی به نهادها، مشارکت پایین، راهبردهای بقا، احساس درماندگی، تمرکز بر زمان حال، شرایط نامناسب محله

مأخذ: نگارنده.

۴. انواع فقر در رویکرد عینی

۴-۱. فقر مطلق

در ادبیات فقر، انواع فقر عینی مثل فقر مطلق، فقر نسبی^۱ و فقر چندبعدی^۲ مطرح شده است. رایج‌ترین روش برای اندازه‌گیری فقر، تعیین خط فقر مطلق عینی توسط دولت، پژوهشگران یا برخی سازمان‌هاست. از نظر فاستر^۳ (۱۹۹۸)، اندازه‌گیری فقر مطلق براساس مقایسه منابع و نیازها انجام می‌شود؛ بنابراین، یک خانواده به‌عنوان فقیر شناسایی می‌شود اگر منابع آن از آستانه فقر کمتر باشد. یکی از نخستین تلاش‌ها برای تعریف و اندازه‌گیری فقر به قرن نوزدهم در انگلستان برمی‌گردد. سی بوهم روانتری^۴ با محاسبه حداقل هزینه‌های لازم برای بقا شامل غذا، پوشاک، مسکن، سوخت و سایر نیازهای ضروری خط فقر مطلق را تدوین کرد و خانوارهایی را که درآمدشان کمتر از این سطح بود، فقیر دانست. این نگاه، مبنای شکل‌گیری مفهوم فقر مطلق شد. باین‌حال، اندازه‌گیری فقر مطلق با چالش‌هایی همراه است. خط فقر مطلق نسبت به روش‌های مختلف جمع‌آوری داده‌ها و شیوه‌های محاسبه حساس است. انتخاب روش‌های جمع‌آوری داده‌ها می‌تواند تأثیر زیادی بر شمارش فقرا داشته باشد. نظرسنجی‌های خانواری که منبع اصلی اطلاعات برای تعیین خط فقر هستند، معمولاً نمی‌توانند درآمد یا مصرف دقیق خانوارها را به‌دست آورند. این مشکل ممکن است ناشی از کم‌دقتی در گزارش‌دهی، اشتباهات پاسخ‌دهی، عدم آگاهی خانوارها یا نگرانی‌های فرهنگی و فقدان اعتماد باشد. علاوه‌براین، تغییرات در شرایط نظرسنجی، به‌ویژه مدت‌زمان جمع‌آوری داده‌ها، می‌تواند نتایج را به شکل قابل‌توجهی تغییر دهد. برای نمونه، در نظرسنجی ملی هند در سال ۱۹۹۸، تغییر مدت‌زمان مصرف غذا از ۳۰ روز به ۷ روز باعث شد تعداد فقرا تقریباً ۱۷۵ میلیون نفر کاهش یابد. این مثال نشان می‌دهد که تغییرات کوچک در روش‌ها می‌تواند شمار افراد فقیر را به‌طور چشمگیری تحت‌تأثیر قرار دهد. استفاده از رویکردهای تغذیه‌ای استاندارد که براساس نیازهای کالری حداقلی برای تعیین خط فقر است، ممکن است باعث شود که افراد در وضعیت بهتری از نظر مالی به‌عنوان فقیر شناسایی شوند. چراکه نیاز تغذیه‌ای حداقلی که برای محاسبه خط فقر در نظر گرفته می‌شود، ممکن است بیشتر از نیاز واقعی مصرفی مردم باشد. دیتون و درزه^۵ (۲۰۰۹) نیز نشان دادند که وقتی شرایط اقتصادی یک خانواده بهبود می‌یابد، تقاضا برای کالری کاهش می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر، وقتی وضعیت اقتصادی خانواده بهتر می‌شود، افراد نیازی به انجام کارهای فیزیکی سنگین ندارند و در نتیجه تقاضا برای کالری کاهش می‌یابد. این یافته نشان می‌دهد که استفاده از نیاز کالری به‌عنوان معیار فقر می‌تواند منجر به افزایش نرخ فقر شود؛ چراکه افراد با وضعیت اقتصادی بهتر، به کالری کمتری نیاز دارند [۳].

۴-۲. فقر نسبی

در دهه ۱۹۷۰، با مطرح شدن دیدگاه‌های پیترو تاونسند^۶ مفهوم فقر نسبی مهم شد. براساس این رویکرد، نیازهای افراد ثابت و جهانی نیست، بلکه نسبت به شرایط و استانداردهای جامعه تغییر می‌کند؛ بنابراین افراد زمانی فقیر محسوب می‌شوند که با وجود داشتن حداقل امکانات برای بقا، درآمد یا منابع آنها به‌طور قابل‌توجهی از سطح معمول جامعه پایین‌تر باشد و در نتیجه از مشارکت در فعالیت‌ها و زندگی اجتماعی رایج محروم بمانند. در رویکرد فقر نسبی، خط فقر براساس درصدی از میانه یا متوسط درآمد جامعه تعیین می‌شود. برای نمونه، در آمریکا افرادی که درآمدشان کمتر از ۸۰ درصد میانه باشد فقیر محسوب می‌شوند؛ در مالزی این نسبت دوسوم میانگین درآمد و در اتحادیه اروپا ۶۰ درصد متوسط درآمد است. نکته مهم در این رویکرد آن است که حتی اگر درآمد کل جامعه افزایش یابد، همواره گروهی پایین‌تر از استاندارد اجتماعی قرار گرفته و فقیر محسوب می‌شوند.

1. Relative Poverty
2. Multidimensional Poverty
3. Faster
4. Seebom Rowntree
5. Dayton and Derzeh
6. Peter Townsend



۳-۴. فقر چندبعدی

آمارتیا کومار سن^۱ (برنده نوبل اقتصاد ۱۹۹۸) معتقد است فقر مطلق برای کشورهای در حال توسعه که هنوز با نیازهای اولیه و گرسنگی مواجه‌اند مناسب‌تر است، در حالی که فقر نسبی بیشتر برای کشورهای توسعه‌یافته کاربرد دارد. همچنین برخلاف فقر نسبی، خط فقر مطلق با رشد اقتصادی تغییر می‌کند و بخشی از جامعه از دایره فقر خارج می‌شود، به همین دلیل در پژوهش‌ها معمولاً مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سن در سال ۱۹۸۷ رویکرد فقر چندبعدی را مطرح کرد و تأکید نمود که فقر تنها کمبود درآمد نیست، بلکه محرومیت از توانمندی‌های اساسی مانند سلامت، آموزش، امنیت، مشارکت اجتماعی، اعتماد به نفس و حقوق شهروندی است. براساس همین دیدگاه، امروز سازمان ملل و بانک جهانی برای سنجش فقر جهانی از فقر مطلق و فقر چندبعدی استفاده می‌کنند [۵].

مقایسه تطبیقی انواع فقر در رویکردهای عینی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. مقایسه تطبیقی انواع فقر در رویکردهای عینی

فقر	مبنای تعریف	نظریه پردازان و نهادهای مهم	نحوه تعیین خط فقر	تمرکز اصلی
فقر مطلق	تأمین حداقل نیازهای اساسی برای بقا مانند غذا، مسکن و پوشاک	سی بوهام روانتری، فاستر	تعیین یک آستانه ثابت حداقل معیشت	نیازهای اساسی و بقای فیزیکی
فقر نسبی	افراد زمانی فقیر محسوب می‌شوند که با وجود تأمین حداقل نیازهای اساسی، درآمد یا منابع آنها نسبت به سطح رایج جامعه پایین‌تر باشد و در نتیجه از مشارکت در فعالیت‌ها و شیوه زندگی معمول جامعه محروم بمانند.	پیتر تاونسند	درصدی از میانه یا متوسط درآمد جامعه	نابرابری و مشارکت اجتماعی
فقر چندبعدی	محرومیت هم‌زمان از ابعاد مختلف رفاه مانند آموزش، سلامت و استاندارد زندگی	آمارتیا سن، برنامه توسعه سازمان ملل	شاخص‌های چندبعدی محرومیت	توانمندی‌ها و کیفیت زندگی

مأخذ: همان

۴-۴. محدودیت‌های رویکرد فقر عینی

رویکردهای سنتی فقر، مانند فقر مطلق و نسبی، بر شاخص‌های عینی و قابل سنجش مانند درآمد و مصرف تمرکز دارند. اگرچه این شاخص‌ها ابزارهای مفیدی برای تحلیل و سیاست‌گذاری فراهم می‌کنند، اما محدودیت‌های مهمی نیز دارند. نخست آنکه این رویکردها تجربه ذهنی و ادراک فرد از وضعیت اقتصادی را در نظر نمی‌گیرند؛ به عبارت دیگر، فرد ممکن است از نظر درآمدی فقیر محسوب نشود، اما به دلیل فشارهای اجتماعی، استانداردهای زندگی یا استرس‌های اقتصادی، احساس فقیر بودن داشته باشد. علاوه بر این، رویکردهای عینی انعطاف‌پذیری کمتری نسبت به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی دارند؛ یک سطح درآمد ممکن است در یک جامعه فقیر محسوب شود و در جامعه دیگر معمولی تلقی گردد؛ بنابراین، فقر عینی تنها بخش محدودی از واقعیت پیچیده رفاه را نشان می‌دهد و برای درک کامل وضعیت افراد، نیاز به رویکردهایی است که تمرکز را از اندازه‌گیری‌های بیرونی به درون‌نگری و ارزیابی‌های شخصی معطوف می‌دارند. این تغییر رویکرد منجر به تعریف و مطالعه مفهوم فقر ذهنی شد که پاسخی مستقیم به محدودیت‌های یاد شده ارائه می‌دهد.

1. Amartya Kumar Sen

۵. رویکرد ذهنی به فقر



۵-۱. تعریف فقر ذهنی

با توجه به اینکه فقر ذهنی به‌عنوان یک رویکرد نوین در سنجش فقر، تمرکز خود را بر ادراک و احساس فرد از وضعیت اقتصادی خود قرار داده است، در ادامه تعاریف کلیدی این مفهوم از نویسندگان معتبر در این حوزه به‌صورت خلاصه ارائه می‌شود:

جدول ۳. تعریف فقر ذهنی از نظر صاحب‌نظران مختلف

تعریف	نویسنده (سال اثر)
فقر ذهنی براساس ادراک و ارزیابی فرد از شرایط زندگی خود استوار است و به‌طور مستقیم با معیارهای بیرونی فقر درآمدی مرتبط نیست [۸].	والکرا ^۱ / گودمی و روتیزز ^۲ (به نقل از باتلر، ۲۰۱۳)
فقر ذهنی به احساس درونی فرد از فقیر بودن اشاره دارد و در ارزیابی وضعیت مالی خود، افراد موقعیت خود را نسبت به دیگران قضاوت می‌کنند، به‌طوری‌که این ارزیابی براساس خوداظهاری صورت می‌گیرد و لزوماً به معنای محرومیت عینی نیست [۹].	چن ^۳ (۲۰۲۰) / بردشو و فینچ ^۴ (۲۰۰۳)
فقر ذهنی از دیدگاه اقتصادی مطلوبیت تعریف می‌شود؛ به این معنا که رفاه واقعی افراد صرفاً به درآمد یا دارایی‌هایشان محدود نمی‌شود، بلکه بستگی به ادراک و احساس فرد از رضایت و رفاه دارد [۳].	وانگ و همکاران (۲۰۲۰)
فقر ذهنی یک احساس درونی و حسی است که شخص از وضعیت خود دارد و این حس انعکاس‌دهنده ابعاد مختلف استانداردهای زندگی است، از جمله درآمد گذشته، تعهدات، فرصت‌های آینده، وضعیت شغلی، آموزش، سلامت، خدمات اولیه و عوامل اجتماعی-سیاسی [۱۰].	آدین و همکاران (۱۴۰۴)
فقر ذهنی دارای دو سطح است: فقر ذهنی محدود که بر ادراک افراد از موقعیت اقتصادی خود تمرکز دارد و فقر ذهنی گسترده که علاوه بر وضعیت اقتصادی، رفاه ذهنی، رضایت از زندگی و عوامل روانی-اجتماعی افراد را نیز در نظر می‌گیرد [۱۱].	محمود و همکاران (۲۰۱۸)

درمجموع می‌توان گفت؛ فقر ذهنی مبتنی بر ادراک و برداشت شخصی افراد از وضعیت اقتصادی‌شان است و بازتابی از تجربیات زیسته، ارزش‌ها و نگرش‌های آنان به‌شمار می‌آید. همانند فقر نسبی، فقر ذهنی نیز ماهیتی نسبی دارد؛ به این معنا که ارزیابی فرد از وضعیت اقتصادی خود نه‌تنها بر واقعیت‌های عینی، بلکه بر مقایسه با استانداردهای زندگی دیگران استوار است. از منظر سنجش، معمولاً این مفهوم با سه نوع پرسش سنجیده می‌شود که مبنای بسیاری از روش‌های سنجش در کشورهای مختلف هستند. فیلک و ون پراگ^۵ (۱۹۹۱) سه نوع پرسش اصلی را معرفی می‌کنند:

■ «سؤال ارزیابی درآمد» (Income Evaluation Question- IEQ) که از افراد می‌خواهد مقدار درآمدی را که برای سطوح مختلف زندگی (خیلی بد، بد، ناکافی، کافی، خوب و خیلی خوب) مناسب می‌دانند، مشخص کنند.

■ «سؤال حداقل درآمد» (Minimum Income Question- MIQ) که حداقل درآمد خالص لازم برای گذران زندگی یک خانواده مثل خانواده پاسخ‌دهنده را می‌سنجد.

■ «سؤال توان تأمین مخارج» (Minimum Spending Question- MSQ) که میزان دشواری خانوار در تأمین هزینه‌های زندگی با درآمد فعلی را بررسی می‌کند.

1. Walker
2. Godmi & Reuters
3. Chen
4. Broadshaw and Finch
5. Filk & Van Praag



این سه نوع پرسش، زیربنای تکنیک‌های برآورد خط فقر ذهنی را تشکیل می‌دهند و در ادامه، کاربرد آنها در چارچوب تکنیک‌های مختلف توضیح داده می‌شود. یکی از ویژگی‌های سنجش فقر ذهنی این است که خط فقر به‌دست آمده از ادراک افراد معمولاً بالاتر از خط فقر عینی تعیین شده توسط دولت‌هاست. به‌عنوان نمونه، ون پراگ و همکاران (۱۹۸۲) در مطالعه‌ای بر روی هشت کشور عضو اتحادیه اروپا که با استفاده از سؤال «ارزیابی درآمد» انجام شده است نشان دادند که شهروندان، میزان بالاتری را به‌عنوان خط فقر ذهنی نسبت به خط فقر رسمی در نظر می‌گیرند. همچنین در ایالات متحده، پژوهش‌های دانزیگر^۱ و همکاران (۱۹۸۴) و کولاسانتو^۲ و همکاران (۱۹۸۴) نشان داد که خط فقر ذهنی، بر مبنای پرسش «حداقل درآمد لازم برای گذران زندگی»، به‌طور معناداری بالاتر از خط فقر عینی است. در ادامه همین رویکرد، گارنر و شورت^۳ (۲۰۰۵) با معرفی پرسش «حداقل هزینه لازم برای زندگی»، به سنجش فقر ذهنی پرداختند و دریافتند که خط فقر ذهنی مبتنی بر «حداقل درآمد» بالاتر از خط فقر مبتنی بر «حداقل هزینه» است [۱۱]. جزئیات بیشتر درباره ماهیت و محتوای این سؤالات در بخش‌های بعدی گزارش ارائه شده است.

۲-۵. روش‌های اندازه‌گیری فقر ذهنی

برای سنجیدن این نوع فقر، روش‌های مختلفی وجود دارد:

■ **سنجش مستقیم و کاملاً ذهنی:**^۴ در این روش هر فرد خودش تشخیص می‌دهد که فقیر است یا نه، بدون توجه به تعریف‌های رسمی یا نظر دیگران درباره فقر.

■ **سنجش غیرمستقیم فقر ذهنی:**^۵ در این رویکرد، سؤال‌ها مستقیماً درباره احساس فقر نیستند، بلکه از افراد خواسته می‌شود وضعیت زندگی خود را ارزیابی کنند؛ برای مثال، اینکه چقدر می‌توانند از پس هزینه‌های زندگی بربیایند یا تا چه حد قادرند نیازهای مختلف خود را برآورده کنند.

■ **اندازه‌گیری عینی شده یا شبه ذهنی:**^۶ این روش بر پایه استخراج آستانه‌های فقر براساس نظرات مردم استوار است. در این رویکرد، ابتدا از طریق نظر سنجی، ادراک افراد درباره موضوعاتی نظیر حداقل درآمد لازم برای گذران زندگی مشخص می‌شود. سپس، این داده‌های ذهنی به‌عنوان داده‌های ورودی، مبنای محاسبات و مدل‌سازی‌های آماری قرار می‌گیرند تا یک عدد واحد به‌عنوان «خط فقر ذهنی» برای جامعه استخراج شود. بنابراین، اگرچه منبع داده‌ها «ذهنی» است، اما فرایند تعیین معیار، «عینی و آماری» است.

■ **نظر سنجی‌های افکار عمومی درباره برداشت مردم از فقر به‌عنوان یک پدیده اجتماعی:**^۷ این روش فقر را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی بررسی می‌کند و کمک می‌کند بفهمیم مردم یک کشور فقر را تا چه حد گسترده می‌بینند، از نظر عموم مردم علت‌های فقر چیست؟ دولت چه نقشی باید در مبارزه با فقر داشته باشد؟ فقرا به چه حمایت‌هایی نیاز دارند؟ [۱۲].

علاوه بر این، تحقیقی به درخواست کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا^۸ و تحت نظر سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۹ انجام شده است که جامع‌ترین و معتبرترین منبع موجود برای بررسی شاخص‌ها و روش‌های سنجش فقر ذهنی در سطح بین‌المللی به‌شمار می‌آید، زیرا با پوشش ۵۲ کشور جهان در قاره اروپا، آسیای مرکزی و آمریکای لاتین و مرور نظام‌مند رویکردهای به‌کار رفته، تصویری فراگیر از وضعیت سنجش فقر ذهنی ارائه می‌دهد.

1. Danziger

2. Colasanto

3. Garner & Short

4. The Direct, Strictly Subjective Measurement of Poverty

5. Indirect Subjective Poverty Measurement

6. Objectivised (quasi-subjective) Measurement

7. Public Opinion Surveys on the Perception of Poverty as a Social Phenomenon

8. United Nations Economic Commission for Europe (UNECE)

9. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

نتایج این تحقیق نشان داد که در این کشورها دو رویکرد اصلی برای اندازه‌گیری فقر ذهنی به کار گرفته می‌شود:

■ رویکرد کیفی-دسته‌ای^۱

■ رویکرد کمی-پولی^۲

۱-۲-۵. رویکرد کیفی

در رویکرد کیفی به جای پاسخ‌های پولی به پاسخ‌های غیرعددی توجه می‌شود. این پرسش‌ها معمولاً از افراد درباره برداشتشان از وضعیت مادی، مالی یا اقتصادی خود یا یک خانوار فرضی سؤال می‌کنند. هدف چنین پرسش‌هایی این است که افراد وضعیت خود را به صورت کلی ارزیابی کنند، نه اینکه یک عدد مشخص برای درآمد یا هزینه‌های خود بگویند. در رویکرد کیفی، برای روشن‌تر شدن موضوع، سؤالات به دو گروه اصلی سؤالات کیفی بررسی وضعیت اقتصادی یا مالی به‌طور کلی و سؤالات کیفی متمرکز بر موضوعاتی مثل کافی بودن درآمد، میزان پس‌انداز و دارایی‌های مالی، توانایی پرداخت بدهی‌ها و توان پرداخت مخارج تقسیم می‌شود و هریک از این دو گروه اصلی خود به سه بخش جداگانه تقسیم می‌شوند.

■ سؤالات کیفی بررسی وضعیت اقتصادی یا مالی به‌طور کلی

این دسته از پرسش‌های کیفی، برداشت یا ارزیابی کلی افراد از وضعیت مالی یا اقتصادی خود را می‌سنجند، بدون آنکه به‌طور مستقیم بر درآمد یا الگوی مصرف تمرکز داشته باشند و معمولاً در قالب سه گروه زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

الف) شناسایی^۳

ب) ارزیابی^۴

ج) پیش‌بینی^۵

الف) شناسایی

«شناسایی» مستقیم‌ترین روش برای گردآوری داده درباره فقر ذهنی است. در این نوع پرسش، از فرد خواسته می‌شود براساس یک پاسخ گزینه‌ای، خود را از نظر فقیر بودن یا در حال تجربه فقر معرفی کند. طبق تحقیق کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا در ۵۲ کشور مورد بررسی، در مجموع در ۴ کشور^۶ این سؤال استفاده شده است. در جدول ۴، پرسش‌هایی که در این گروه از سؤالات مطرح می‌شوند، آورده شده است [۱۳].

جدول ۴. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی بررسی وضعیت اقتصادی کلی افراد در گروه شناسایی (۲۰۲۴) [۱۳]

کشور	سؤال	پاسخ
کلمبیا	آیا خودتان را فقیر می‌دانید؟	بله خیر
قرقیزستان	وضعیت خانواده‌تان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	ثروتمند متوسط فقیر خیلی فقیر

1. Qualitative Question
2. Quantitative Money Metric Question
3. Identification
4. Evaluation
5. Prediction

۶. این کشورها عبارت‌اند از: کلمبیا، اسرائیل، جمهوری قرقیزستان و ویتنام.



همچنین در پروژه خانوار شهری اتیوپی از این سؤال در یک دوره بلندمدت ۱۵ ساله و در پنج مرحله مختلف ۱۹۹۴، ۱۹۹۷، ۲۰۰۰، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۹ استفاده شده است. این پروژه توسط دپارتمان اقتصاد دانشگاه آدیس آبابا و با همکاری دانشگاه گوتنبرگ سوئد انجام شده و اطلاعات ۱۵۰۰ خانوار را در چهار شهر اصلی اتیوپی (آدیس آبابا، آواسا، دسی و مکله) جمع‌آوری کرده است. در این مطالعه، فقر ذهنی براساس پاسخ سرپرست خانوار به پرسش «آیا خود را فقیر، متوسط یا ثروتمند می‌دانید؟» سنجیده شده و خانوارها براساس پاسخ‌ها به دو گروه فقیر و غیرفقیر طبقه‌بندی شده‌اند [۱۴].

ب) ارزیابی

در این نوع سؤالات، افراد وضعیت مالی یا اقتصادی خود را به‌طور کلی یا براساس ویژگی‌ای مانند رضایت ارزیابی می‌کنند. علاوه بر ۲۷ کشور عضو پیمایش اتحادیه اروپا درباره درآمد و شرایط زندگی،^۱ کانادا نیز از همین نوع سؤال استفاده می‌کند. در اکثر این کشورها از افراد می‌خواهند میزان رضایت خود از وضعیت مالی‌شان را براساس مقیاس ۰ تا ۱۰ مشخص کنند. یکی دیگر از رایج‌ترین سؤالات کیفی در این زمینه این است که از افراد خواسته می‌شود وضعیت مالی فعلی خود را نسبت به گذشته ارزیابی کنند. همچنین، در نوع دیگری از این سؤالات از افراد می‌خواهند یک عبارت را از بین چند گزینه که بهترین توصیف از وضعیت مالی فعلی آنها است را انتخاب نمایند [۱۳]. در جدول ۵، پرسش‌هایی که در این گروه مطرح می‌شود، آورده شده است.

جدول ۵. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی بررسی وضعیت اقتصادی کلی افراد در گروه ارزیابی (۲۰۲۴) [۱۳]

گروه	کشور	سؤال	پاسخ
ارزیابی کیفی مبتنی بر رضایت از وضعیت مالی	کانادا	شما درباره وضعیت مالی خود چه احساسی دارید؟	۰ کاملاً ناراضی ۱۰ خیلی راضی
	سوئیس	به‌طور کلی چقدر از وضعیت مالی فعلی خانوار خود رضایت دارید؟	۰ اصلاً راضی نیستم. ۱۰ کاملاً راضی هستم.
ارزیابی کیفی وضعیت مالی مبتنی بر مقایسه با گذشته	کلمبیا	وضعیت اقتصادی خانواده خود را در مقایسه با ۱۲ ماه گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟	خیلی بهتر بهبتر تغییری نکرده / همان‌طور بدتر خیلی بدتر
	فنلاند	در مقایسه با سال قبل، وضعیت مالی شما چگونه بوده است؟	خیلی بهتر شده است. کمی بهتر شده است. تغییری نکرده است. کمی بدتر شده است. خیلی بدتر شده است.
ارزیابی کیفی وضعیت مالی مبتنی بر توصیف وضعیت فعلی	دانمارک	وضعیت مالی فعلی خانواده شما چگونه است؟	آیا بیش از درآمدهای شما خرج می‌کنید؟ آیا تأمین هزینه‌های زندگی برایتان دشوار است؟ آیا می‌توانید مقداری پول پس‌انداز کنید؟
	لیتوانی	وضعیت مالی فعلی خانواده شما چگونه است؟	پس‌انداز زیادی داریم. کمی پس‌انداز داریم. فقط توانسته‌ایم با درآمدهایمان هزینه‌ها را پوشش دهیم. مجبوریم از پس‌اندازمان استفاده کنیم. داریم بدهکار می‌شویم.

ج) پیش‌بینی

در پیش‌بینی، تغییر احتمالی وضعیت مالی، مادی یا اقتصادی فعلی در یک دوره زمانی مشخص بررسی می‌شود. طبق تحقیق کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا در ۵۲ کشور مورد بررسی، ۴ کشور کلمبیا، اسرائیل، جمهوری قرقیزستان و ویتنام از این پرسش استفاده کرده و دوره پیش‌بینی را دوازده ماه آینده یا سال آینده در نظر گرفته‌اند. با این حال، می‌شود پرسش‌هایی درباره ۶ ماه آینده، دو سال آینده یا حتی دوره‌های طولانی‌تر نیز مطرح شود، بسته به اینکه هدف اندازه‌گیری برداشت‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت باشد [۱۳]. در جدول ۶، پرسش‌هایی که در این گروه مطرح می‌شود، آورده شده است.

جدول ۶. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی بررسی وضعیت اقتصادی کلی افراد در گروه پیش‌بینی (۲۰۲۴) [۱۳]

کشور	سؤال	پاسخ
کلمبیا	فکر می‌کنید وضعیت مالی خانوار شما ۱۲ ماه دیگر نسبت به الان چگونه خواهد بود؟	خیلی بهتر بهتر بدون تغییر بدتر خیلی بدتر
اوکراین	به نظر شما وضعیت مادی خانوار شما در ۱۲ ماه آینده ممکن است چگونه تغییر کند؟	بهتر خواهد شد. بدون تغییر می‌ماند. بدتر خواهد شد. مشخص کردنش سخت است.
بلاروس	فکر می‌کنید وضعیت مادی خانوار شما در سال آینده چگونه تغییر خواهد کرد؟	بهتر خواهد شد. بدون تغییر می‌ماند. بدتر خواهد شد.

■ سؤالات کیفی دسته‌بندی شده با متمرکز بر کفایت درآمد

این دسته از سؤالات کیفی دیدگاه یا ارزیابی کلی فرد درباره میزان کافی بودن درآمدش در یک زمینه خاص می‌سجد و دارای دو گروه ارزیابی و پیش‌بینی است.

الف) ارزیابی

در این نوع از سؤالات، افراد وضعیت درآمد خود را با توجه به ویژگی‌هایی مانند توانایی گذران زندگی یا کفایت مصرف ارزیابی می‌کنند و پاسخ‌ها معمولاً گروه‌بندی شده‌اند. در این روش، درصد خانوارها یا افراد در هر دسته مشخص می‌شود و یک دسته خاص به عنوان نقطه مرجع در نظر گرفته می‌شود. همچنین، این سؤالات می‌توانند با سؤالات عددی درباره درآمد ترکیب شوند تا آستانه فقر ذهنی تعیین شود. طبق تحقیق کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا در ۵۲ کشور مورد بررسی، ۴۴ کشور گزارش داده‌اند که حداقل یک سؤال مبتنی بر این نوع از سؤالات برای سنجش فقر ذهنی طراحی کرده‌اند. محبوبیت زیاد این نوع سؤالات، تا حدی به دلیل گنجانده شدن آن در پرسش‌نامه پیمایش اتحادیه اروپا درباره درآمد و شرایط زندگی (EU-SILC) است. فرم دقیق سؤال در کشورهای عضو پیمایش اتحادیه اروپا درباره درآمد و شرایط زندگی کمی متفاوت است، اما الگوی کلی یکسان است و از افراد می‌خواهد توانایی خود در گذران زندگی با توجه به درآمدشان را ارزیابی کنند. در پرسش‌نامه نام‌برده، گزینه‌های پاسخ براساس مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای ارائه می‌شوند [۱۳]. در جدول ۷، پرسش‌هایی که در این گروه مطرح می‌شود، آورده شده است.

جدول ۷. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی تمرکز بر کفایت درآمد در گروه ارزیابی (۲۰۲۴) (۱۳)

کشور	سؤال	پاسخ
کشورهای مشارکت‌کننده در EU-SILC	یک خانوار ممکن است چند منبع درآمد داشته باشد و بیش از یک نفر از اعضای خانوار در تأمین آن نقش داشته باشند. با در نظر گرفتن مجموع درآمد خانوار، آیا خانوار شما می‌تواند از پس هزینه‌های ضروری و معمول زندگی برآید؟	با دشواری بسیار زیاد با دشواری با کمی دشواری نسبتاً آسان آسان بسیار آسان
بلاروس	درآمد کل خانوار خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	درآمد فقط به اندازه خرید غذا کافی است. درآمد برای خرید غذا کافی است، اما خرید لباس و سایر کالاها و خدمات ضروری دشوار است. درآمد برای خرید غذا، لباس و سایر کالاها و خدمات ضروری کافی است، اما خرید کالاهای بادوام (مانند تلویزیون، یخچال و ...) دشوار است. درآمد برای خرید کالاهای بادوام کافی است، اما خرید کالاهای گران‌قیمت (مانند خودرو و ...) دشوار است. درآمد برای خرید همه چیزهایی که فکر می‌کنیم به آن نیاز داریم کافی است.
کلمبیا	درآمد خانوار شما ...	برای پوشش حداقل هزینه‌ها کافی نیست. برای پوشش حداقل هزینه‌ها کافی است. بیش از حداقل هزینه‌ها را پوشش می‌دهد.

ب) پیش‌بینی

همانند سؤالات کیفی قبلی که به‌طور مشخص به درآمد اشاره نمی‌کردند، در این رویکرد از افراد خواسته می‌شود پیش‌بینی کنند درآمدشان در یک بازه زمانی مشخص در آینده چگونه تغییر خواهد کرد یا اینکه در دوره‌ای در آینده چه سطحی خواهد داشت. تنها دو کشور کانادا و هلند گزارش کرده‌اند که از این نوع سؤال استفاده می‌کنند [۱۳]. در جدول ۸، پرسش‌هایی که در این گروه مطرح می‌شود، آورده شده است.

جدول ۸. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی تمرکز بر کفایت درآمد در گروه پیش‌بینی (۲۰۲۴) (۱۳)

کشور	سؤال	پاسخ
کانادا	به نظر شما در دو سال آینده، مجموع درآمد شما [و خانواده‌تان] افزایش پیدا می‌کند، کاهش می‌یابد یا بدون تغییر می‌ماند؟	افزایش می‌یابد. کاهش می‌یابد. بدون تغییر می‌ماند.
هلند	آیا انتظار دارید درآمد شما / مجموع درآمد خانوار در ۱۲ ماه آینده افزایش یابد، بدون تغییر بماند یا کاهش پیدا کند؟	افزایش یابد. بدون تغییر بماند. کاهش یابد.
کانادا	با در نظر گرفتن همه منابع مختلف درآمد دوران بازنشستگی خانوار (از جمله منابع دولتی، مستمری‌های شخصی و شغلی)، فکر می‌کنید درآمد خانوار شما در دوران بازنشستگی تا چه حد برای حفظ سطح زندگی‌تان کافی خواهد بود؟	بیش از حد کافی خواهد بود. کافی خواهد بود. به سختی کافی خواهد بود. ناکافی خواهد بود. کاملاً ناکافی خواهد بود.

۲-۵. رویکرد کمی پولی

الف) سؤال حداقل درآمد^۱

در سؤال حداقل درآمد از افراد درباره مقدار درآمد یا پولی که برای وضعیت معینی شامل تأمین نیازهای اساسی زندگی، پوشش هزینه‌های اصلی یا تأمین مخارج ضروری لازم می‌دانند، سؤال می‌شود. طبق تحقیق کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا، در ۴۳ کشور عضو چنین پرسش‌هایی مطرح شده است. یکی از انواع این سؤالات، سؤال حداقل درآمد (MIQ) است. در برخی کشورها، مانند قرقیزستان و اوکراین، حداقل درآمد برای فقیر شدن سؤال می‌شود، نه صرفاً برای تأمین نیازهای روزمره. در جمهوری مولداوی دو سؤال مطرح می‌شود: سؤال اول، درباره حداقل درآمد برای زندگی روزمره و سؤال دوم، درباره حداقل درآمد برای یک زندگی شایسته و مطلوب است. هرچند معیارهای مورد بررسی در سؤالات مانند تأمین نیازهای اساسی زندگی، جلوگیری از فقیر شدن و تأمین زندگی روزمره در سؤالات مشابه هستند، اما تضمینی وجود ندارد که برداشت یکسانی در ذهن پاسخ‌دهنده ایجاد کنند؛ بنابراین، پاسخ‌ها به این پرسش‌ها قابل مقایسه میان کشورها نیستند و نمی‌توان از آنها برای تعیین یک آستانه فقر ذهنی در همه کشورها یکسان استفاده کرد [۱۳].

جدول ۹. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کمی / سؤال حداقل درآمد (۲۰۲۴) [۱۳]

کشور	سؤال
برزیل	با توجه به وضعیت فعلی خانواده شما، حداقل درآمد ماهانه برای تأمین نیازهای اساسی زندگی چقدر است؟
اوکراین	به نظر شما، با توجه به سطح فعلی قیمت‌ها برای یک نفر از اعضای خانواده شما، چقدر پول لازم است تا احساس فقر نکند؟
قرقیزستان	به نظر شما، برای خانواده‌ای با همان تعداد اعضای خانواده شما به طور متوسط ماهانه چقدر پول لازم است تا فقیر نشود؟
جمهوری مولداوی	چه مقدار درآمد نقدی ماهانه برای یک نفر لازم است تا نیازهای حداقل روزمره او برآورده شود و بتواند امورات خود را بگذراند؟
بلاروس	خانواده شما ماهانه چه مقدار پول نیاز دارد تا نیازهای حداقلی تمامی اعضای خانواده تأمین شود؟
سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	در کشور شما، خانواری مانند خانواده شما اگر درآمدش زیر [میزان انتخاب شده توسط کاربر] باشد، فقیر محسوب می‌شود.

همچنین در چین نیز پرسش حداقل درآمد به عنوان ابزار سنجش فقر ذهنی به کار گرفته شده است؛ برای مثال، گستافسون و همکاران^۲ (۲۰۰۴) در شهرهای چین و بی‌شاپ^۳ و همکاران (۲۰۰۶) در روستاهای این کشور از این پرسش استفاده کرده‌اند. این سؤال به این صورت در چین پرسیده شده است: لطفاً میزان درآمدی را مشخص کنید که اگر درآمد خانوار شما از آن کمتر باشد، خود را فقیر احساس خواهید کرد. در مقایسه با سایر سؤالات رویکرد کمی، سؤال حداقل درآمد برای پاسخ‌دهندگان ساده‌تر و قابل‌فهم‌تر است و انجام آن در پیمایش‌ها آسان‌تر است. به دلیل این مزایا، سؤال حداقل درآمد (MIQ) در مطالعات فقر ذهنی در سراسر جهان به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد [۳].

1. Minimum Income Question (MIQ)

2. Gustafsson

3. Bishop



ب) سؤال ارزیابی درآمد^۱

در این سؤال، از افراد می‌خواهند درآمد یا پول لازم برای انواع استانداردهای زندگی شامل یک زندگی خوب، خیلی خوب یا حتی گذران زندگی لازم می‌دانند را گزارش کنند [۱۳]. این نوع سؤال در کشورهای ارمنستان و مجارستان استفاده شده است.

جدول ۱۰. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کمی پولی / سؤال ارزیابی درآمد (۲۰۲۴) [۱۳]

کشور	سؤال
ارمنستان	خانواده شما ماهانه برای گذران زندگی (زنده ماندن) به چه مقدار پول نیاز دارد؟ خانواده شما برای یک زندگی خوب ماهانه به چه مقدار پول نیاز دارد؟ خانواده شما برای زندگی خیلی خوب در یک ماه به چه مقدار پول نیاز دارد؟
مجارستان	فکر می‌کنید خانواده شما در یک ماه برای گذران زندگی به چه مقدار درآمد (خالص) نیاز دارد؟ سطح زندگی بسیار پایین؟ سطح زندگی پایین؟ سطح زندگی متوسط؟ سطح زندگی بالا؟ سطح زندگی بسیار بالا؟

ج) سؤال حداقل هزینه^۲

در این سؤال از مردم پرسیده می‌شود در یک دوره زمانی مشخص برای تأمین نیازهای ضروری زندگی چقدر باید هزینه کنند؟ در این سؤال به‌طور خاص بر مخارج و ضروریات اساسی مانند غذا، سرپناه، پوشاک و سایر اقلام ضروری برای زندگی روزمره تمرکز می‌شود. در ایالات متحده و کانادا از این سؤال استفاده شده است. همچنین می‌توان از این سؤال به‌عنوان استاندارد حداقل معیشت^۳ در نظر گرفته شود [۱۳].

جدول ۱۱. سؤال رویکرد کمی پولی / سؤال حداقل هزینه (۲۰۲۴) [۱۳]

نام پروژه	سؤال
پروژه درآمد و مشارکت خانوارها در برنامه‌های اجتماعی ^۴	به نظر شما، هر سال چقدر باید هزینه کنید تا نیازهای اولیه خانواده خود را تأمین کنید؟ منظور از نیازهای اولیه، غذای کافی، مسکن، پوشاک و سایر چیزهای ضروری زندگی روزمره است.

لازم به ذکر است در سه رویکرد اخیر، خط فقر ذهنی از طریق مدل‌سازی آماری به‌دست نمی‌آید و داده‌های گردآوری شده از پاسخ‌های فردی، مستقیماً مدنظر قرار می‌گیرند.

1. Income Evaluation Question (IEQ)
2. Minimum Spending Question
3. Subsistence Minimum Standard
4. Survey of Income and Program Participation (SIPP)

۶. تکنیک‌های تخمین خط فقر ذهنی براساس سؤالات کمی پولی

در این بخش، مروری بر رویکردهای شناخته شده برای تخمین خطوط فقر ذهنی براساس سؤالات ارزیابی کمی پولی ارائه می‌دهیم: خط فقر لیدن^۱ براساس سؤال ارزیابی درآمد (IEQ)، خط فقر ذهنی نقطه تقاطع براساس سؤال حداقل درآمد (MIQ) و شاخص بودن جی.

اگرچه دو تکنیک اول حدود دهه ۱۹۷۰ توسعه یافته‌اند، اما تکنیک دوم به دلیل در دسترس بودن سؤالات در نظرسنجی‌های اخیر، در ادبیات این حوزه توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. درحالی که سؤال ارزیابی درآمد به‌ندرت گنجانده می‌شد، اما سؤال حداقل درآمد تا سال ۲۰۲۰ سالانه در EU-SILC پرسیده می‌شد.

۶-۱. خط فقر ذهنی لیدن

ساخت خط فقر لیدن براساس برآورد پارامترهای تابع رفاه فردی درآمد (همان تابع مطلوبیت درآمد) انجام می‌شود که معمولاً براساس سؤال ارزیابی درآمد است. یکی از تفاوت‌های این روش با روش‌های دیگری که در ادامه معرفی می‌شوند، به نوع پرسش مورد استفاده برای سنجش فقر ذهنی بازمی‌گردد. همان‌طور که اشاره شد، در این روش از سؤال ارزیابی درآمد استفاده می‌شود، در این سؤال از پاسخ‌گو خواسته می‌شود تا میزان درآمدی را که از نظر او خیلی پایین/ناکافی/خوب/خیلی خوب است گزارش کند. مقادیر درآمدی که با این دسته‌بندی‌ها مشخص می‌شوند، برای ساخت تابع رفاه فردی به کار می‌روند و این تابع سپس به‌عنوان پایه‌ای برای برآورد خط فقر لیدن استفاده می‌شود.

در این مدل ابتدا پژوهشگر سطح رفاه مرزی (α) را مشخص می‌کند، یعنی درصدی از جامعه که فقیر در نظر گرفته می‌شوند. این درصد معمولاً براساس سیاست‌های اجتماعی، استانداردهای ملی یا مطالعات آماری قبلی انتخاب می‌شود؛ برای مثال می‌توان ۲۰ درصد پایین‌ترین درآمد جامعه را به‌عنوان فقیر در نظر گرفت و سپس مقدار متناظر با آن را در توزیع نرمال استاندارد محاسبه کرد. $(\Phi^{-1}(\alpha))$

برای محاسبه خط فقر ذهنی هر خانوار یعنی $y_{\alpha i}$ ابتدا نیاز است، میانگین لگاریتم درآمد خانوار (μ_i) تخمین زده شود. این میانگین با استفاده از یک مدل رگرسیونی محاسبه می‌شود:

$$\mu_i = \beta_0 + \beta_1 \ln(y_i) + \beta_2 \ln(s_i) + \dots$$

که در آن y_i درآمد واقعی خانوار، s_i اندازه خانوار و سایر متغیرهای کنترل دخیل هستند. سپس این میانگین تخمینی (μ_i) همراه با انحراف معیار لگاریتم درآمد خانوار σ_i و مقدار $\Phi^{-1}(\alpha)$ در فرمول اصلی خط فقر قرار می‌گیرد:

$$\frac{\ln(y_{\alpha i}) - \mu_i}{\sigma_i} = \Phi^{-1}(\alpha)$$

با حل این معادله برای $y_{\alpha i}$ و استفاده از تابع نمایی (exp) برای معکوس کردن لگاریتم، خط فقر ذهنی واقعی هر خانوار به‌دست می‌آید. برای محاسبه خط فقر ملی، به جای اندازه خانوار خاص، از میانگین اندازه خانوار در کشور ($\bar{s}$) و σ ثابت استفاده می‌شود:

$$\ln(y_{\alpha}^*) = \frac{\beta_0 + \beta_1 \ln(\bar{s}) + \sigma \Phi^{-1}(\alpha)}{1 - \beta_1}$$

به این ترتیب، مدل لیدن امکان سنجش و تحلیل فقر را هم در سطح خانوار (خط فقر ذهنی) و هم در سطح ملی فراهم می‌کند.

1. Leyden Poverty Line (LPL)

۲-۶. روش نقطه تقاطع^۱

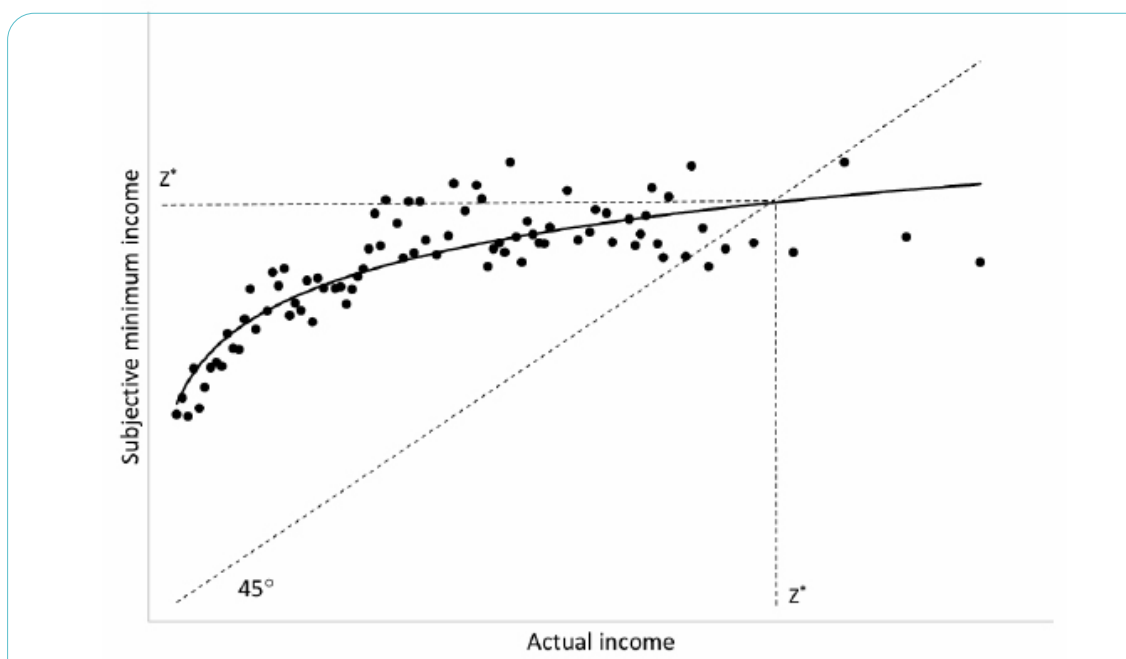
در دهه ۱۹۹۰ روشی ابداع شد که هدفش تعیین خط فقر ذهنی با استفاده از سؤال حداقل درآمد لازم برای زندگی (MIQ) بود. این روش برای اولین بار توسط گودهارت^۲ و همکاران معرفی شد. این روش ویژگی‌های زیر را دارد:

نه آن قدر ساده است که صرفاً براساس پاسخ فرد به یک پرسش تعیین شود و نه آن قدر پیچیده که نیاز به مدل‌های ریاضی پیشرفته داشته باشد. به عبارت دیگر از نظر پیچیدگی، در سطح متوسط قرار دارد. همچنین این روش مدل محور است، یعنی پاسخ‌ها به تنهایی خط فقر را مشخص نمی‌کنند، بلکه با تحلیل مدل محاسباتی خط فقر ذهنی تعیین می‌شود.

تحقیقات نشان داده‌اند که پاسخ مورد انتظار به پرسش حداقل درآمد (MIQ) با درآمد واقعی افراد رابطه مثبت دارد. روش نقطه تقاطع بر این فرض استوار است که وقتی درآمد واقعی افراد بیشتر می‌شود، حداقل درآمد ذهنی که برای زندگی کافی اعلام می‌کنند نیز افزایش می‌یابد. این رابطه به صورت یک تابع محدب است، به این معنا که با افزایش درآمد واقعی، حداقل درآمد ذهنی هم‌افزایش می‌یابد؛ اما با سرعت کمتر. در این روش، برای تعیین خط فقر ذهنی از یک نمودار استفاده می‌شود که در آن درآمد واقعی افراد روی محور افقی و حداقل درآمد ذهنی اعلام شده آنها روی محور عمودی رسم شده است. خط ۴۵ درجه روی نمودار رسم می‌شود تا نشان دهد در کدام نقطه درآمد واقعی برابر با حداقل درآمد ذهنی است. نقطه‌ای که خط داده‌ها با خط ۴۵ درجه برخورد می‌کند، اهمیت دارد و به عنوان خط فقر ذهنی در نظر گرفته می‌شود، زیرا نماینده افرادی است که حداقل درآمد ذهنی‌شان واقعاً با درآمد واقعی‌شان مطابقت دارد. سایر نقاط نمودار نشان می‌دهند که افراد ثروتمند حداقل درآمدی خود را بیشتر و افراد کم‌درآمد کمتر از واقعیت برآورد می‌کنند، بنابراین تنها نقطه تقاطع با خط ۴۵ درجه، تخمین واقعی و منسجم خط فقر ذهنی را ارائه می‌دهد.

برای محاسبه این خط، خانوارها براساس ویژگی‌هایشان مانند اندازه خانواده، وضعیت شغلی، سن، تحصیلات و محل زندگی گروه‌بندی می‌شوند و برای هر گروه یک خط فقر مشخص تعیین می‌شود. این روش دقیق‌تر از یک عدد ثابت برای همه است و نشان می‌دهد چه گروه‌هایی واقعاً زیر خط فقر قرار دارند و چه گروه‌هایی بالای آن هستند.

شکل ۱. خط فقر ذهنی براساس روش نقطه تقاطع [۱۴]



1. Intersection Method Based on the Minimum Income Question
2. Goedhart

مطالعه اصلی گودهارت و همکاران (۱۹۷۷) خط فقر ذهنی را تنها براساس درآمد واقعی و اندازه خانوار تخمین زده است، اما او تأکید کرده است هر متغیری که بتوان اثر آن را با داده‌ها و اعداد اندازه‌گیری کرد نیز می‌تواند وارد مدل شود. مطالعات بعدی متغیرهایی مانند وضعیت اشتغال، جنسیت، سن، تحصیلات و میزان شهری بودن محل سکونت را اضافه کرده‌اند تا تفاوت‌های خط فقر ذهنی بین خانوارها بهتر توضیح داده شود. او معتقد است حتی اگر برخی متغیرها اثر مستقیم قابل توجهی نداشته باشند، وارد کردن آنها کمک می‌کند تخمین سایر متغیرها دقیق و بدون سوگیری باشد. درمجموع تفاوت‌های ناشی از ویژگی‌های شخصی و سبک زندگی ممکن است به توضیح تفاوت‌ها کمک کنند. برای محاسبه خط فقر ذهنی ابتدا از خانوارها دو عدد جمع‌آوری می‌شود: درآمد واقعی خانوار X و حداقل درآمد ذهنی Y که خانوار برای زندگی خود اعلام می‌کند.

سپس لگاریتم طبیعی این مقادیر گرفته می‌شود و یک رگرسیون لگاریتمی $\ln(Y) = \alpha + \beta \ln(X)$ که در آن α و β ضرایبی هستند که با داده‌ها و روش حداقل مربعات معمولی (OLS) تخمین زده می‌شوند تعریف می‌شود. β (شیب خط) نشان می‌دهد، تغییر درصدی درآمد واقعی چه تأثیری روی حداقل درآمد ذهنی دارد و با فرمول $\frac{\sum(\ln(X_i) - \ln(\bar{X}))(\ln(Y_i) - \ln(\bar{Y}))}{\sum(\ln(X_i) - \ln(\bar{X}))^2}$ محاسبه می‌شود. α (عرض از مبدأ) با $\alpha = \ln(\bar{Y}) - \beta \cdot \ln(\bar{X})$ تعیین می‌شود تا خط رگرسیون بهترین تطابق را با داده‌ها داشته باشد. پس از به‌دست آمدن α و β خط فقر ذهنی پیش‌بینی شده برای هر خانوار $\hat{Y} = \exp(\alpha + \beta \ln(X))$ محاسبه می‌شود. این عدد استاندارد و قابل مقایسه است و نشان می‌دهد کدام خانوارها زیر خط فقر ذهنی قرار دارند. تحقیقات نشان داده‌اند که خط فقر به‌دست آمده از حداقل هزینه معمولاً کمتر از خط فقر براساس حداقل درآمد است، چون در حداقل هزینه فقط به نیازهای خیلی اساسی و محدود توجه می‌شود، درحالی‌که در سؤال حداقل درآمد نیازها را گسترده‌تر در نظر می‌گیرد. به همین دلیل، خط فقر مبتنی بر حداقل هزینه بیشتر شبیه خط فقر مطلق است که در آمریکا استفاده می‌شود. در کشور چین نیز برای محاسبه فقر ذهنی از سؤال حداقل درآمد استفاده می‌شود. با این تفاوت که برای تعیین خط فقر ذهنی از ضرایب رگرسیونی استفاده نمی‌شود. مراحل تعیین خط فقر ذهنی در چین به شرح زیر است: ابتدا سؤال حداقل درآمد پرسیده می‌شود و سپس برای کنترل اثر اندازه خانوار، حداقل درآمد اعلام شده بر تعداد اعضای خانوار تقسیم می‌شود تا خط فقر ذهنی سرانه به‌دست آید.

$$\text{حداقل درآمد اعلام شده} \\ \text{تعداد اعضای خانوار} = \text{خط فقر ذهنی سرانه}$$

سپس لگاریتم طبیعی گرفته می‌شود تا عدد برای تحلیل آماری و مدل‌سازی آماده باشد. در ادامه اگر درآمد سرانه خانوار از لگاریتم خط فقر ذهنی بیشتر باشد فرد فقیر نیست؛ اما اگر کمتر باشد فقیر است. علاوه‌براین، عمق فقر ذهنی^۱ نیز با فرمول زیر محاسبه می‌شود تا نشان دهد خانوار چه میزان زیر خط فقر ذهنی قرار دارد.

$$\text{درآمد واقعی سرانه} - \text{خط فقر ذهنی سرانه} \\ \text{خط فقر ذهنی سرانه} = \text{عمق فقر ذهنی}$$



۳-۶. خط فقر شبه لیدن^۱

سؤال ارزیابی درآمد (IEQ) برای پاسخ‌دهندگان سخت و وقت‌گیر است، به‌ندرت در سرشماری‌ها یا تحقیقات آماری استفاده می‌شود. به همین دلیل، پیاسکی و بینکونسکا^۲ (۲۰۱۸) روش جایگزینی ارائه کردند تا خط فقر ادراکی را با استفاده از پرسش دلیک^۳ برآورد کنند. در این روش فرض می‌شود که خانوارها هنگام پاسخ به سؤال دلیک، درآمد خود را به همان شکل ارزیابی می‌کنند که در سؤال ارزیابی درآمد ارزیابی می‌کردند. در مرحله اول، به هر گزینه پاسخ در سؤال دلیک شش‌گزینه‌ای، یک سطح رفاه^۴ اختصاص داده می‌شود تا مشخص شود هر پاسخ از نظر رفاه چه درجه‌ای دارد. در مرحله دوم، با استفاده از این سطوح رفاه، یک مدل رگرسیونی ساخته می‌شود تا مشخص شود که درآمد واقعی خانوار در چه سطحی با خط فقر برابر است. مقدار خط فقر در یک سطح رفاه مشخص (α) معمولاً به‌اندازه خانوار و گاهی به ویژگی‌های دیگر خانوار نیز بستگی دارد. برای روشن شدن روش، یک نمونه از سؤال دلیک و گزینه‌های پاسخ آن به شکل زیر ارائه شده است:

جدول ۱۲. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کمی پولی / سؤال دلیک (۲۰۲۴) [۱۳]

سؤال	پاسخ
یک خانوار ممکن است چند منبع درآمد داشته باشد و چند عضو خانواده در تأمین آن مشارکت کنند. با توجه به کل درآمد خانوار، آیا خانواده شما قادر است هزینه‌های معمول و ضروری خود را تأمین کند و زندگی خود را بچرخاند؟	با سختی زیاد با سختی با کمی سختی نسبتاً راحت راحت بسیار راحت

روش برآورد خط فقر ذهنی شامل چند مرحله ساده است. ابتدا پاسخ خانوارها به پرسش دلیک که وضعیت زندگی را از ۱ (بدترین) تا ۶ (بهترین) می‌سنجد، به یک عدد بین ۰ و ۱ تبدیل می‌شود تا نشان‌دهنده رفاه ذهنی آنها باشد:

$$U_i = (0.5 - j_i) / m$$

که در آن j_i پاسخ خانوار i و m تعداد گزینه‌هاست و U_i دیدگاه خانوار درباره وضعیت زندگی خودش را به یک عدد قابل استفاده در فرمول‌های ریاضی تبدیل می‌کند. سپس با استفاده از یک مدل رگرسیون، رابطه بین درآمد واقعی خانوار، اندازه خانوار و رفاه ذهنی بررسی می‌شود:

$$\ln(y_i) = \gamma_0 + \gamma_1 \ln(s_i) + \gamma_2 \Phi^{-1}(u_i)$$

1. Quasi Leyden Poverty Line
2. Piasecki and Bienkunska
3. Deleeck
4. Utility Level

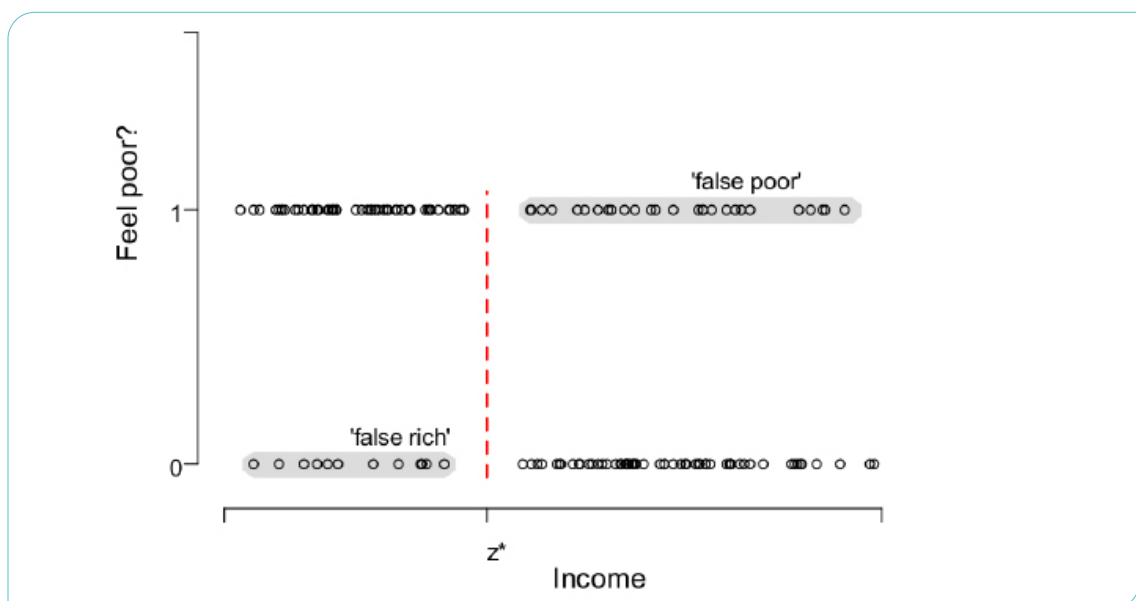
۴-۶. تکنیک مبتنی بر داده‌های دوگانه^۱ و شاخص یودن جی^۲

زلینسکی^۳ و همکاران (۲۰۲۰) یک روش جایگزین برای تعیین خط فقر ذهنی پولی ارائه کرده‌اند که از متغیرهای گروه‌بندی شده دوتایی (فقر/غیرفقر) استفاده می‌کند. در این روش سؤال تأمین مخارج که در پرسش‌نامه پیمایش اتحادیه اروپا درباره درآمد و شرایط زندگی وجود دارد استفاده می‌شود. در این سؤال از افراد می‌خواهد توانایی خود در گذران زندگی با توجه به درآمدشان ارزیابی کنند. در این روش، اول باید پاسخ‌ها به سؤال نام‌برده به دودسته تقسیم شوند: مثلاً خانوارهایی که می‌گویند خیلی سخت می‌توانند خرج زندگی‌شان را تأمین کنند فقیر و بقیه خانوارها غیرفقیر در نظر گرفته می‌شوند. این تقسیم‌بندی تاحدی اختیاری است، ولی لازم است بررسی شود اگر نحوه تعیین فقیر یا غیرفقیر بودن خانوارها را تغییر دهیم، نتایج تحقیق چقدر فرق می‌کند. فرض بر این است که هر فرد درآمد واقعی خود را با یک خط فقر ذهنی که مشخص نیست مقایسه می‌کند. بعضی افراد ممکن است اشتباه کنند؛ برای مثال، افرادی با درآمد زیاد خود را فقیر بدانند و افرادی با درآمد کم خود غیرفقیر فرض کنند. برای پیدا کردن خط فقر ذهنی درست، ضروری است تعداد این اشتباه‌ها را به حداقل رسانده شود تا دسته‌بندی واقعی‌تر و دقیق‌تر شود. با الهام از همین ایده، زلینسکی و همکاران (۲۰۲۰) پیشنهاد کردند که برای تخمین خط فقر ذهنی از شاخص یودن جی استفاده شود.

شاخص یودن خط فقر ذهنی را با پیدا کردن سطح درآمدی تعیین می‌کند که در آن تعداد افرادی که به اشتباه فقیر یا غیرفقیر تشخیص داده می‌شوند، کمترین مقدار باشد. به بیان ساده، این سطح درآمد بهترین مرز را میان کسانی که خود را فقیر می‌دانند و کسانی که خود را غیرفقیر می‌دانند، ایجاد می‌کند. همان‌طور که در شکل ۲ نشان داده شده، نقطه برش Z یا خط فقر ذهنی، همان سطح درآمدی است که خانوارها را به این دو گروه فقیر و غیرفقیر تقسیم می‌کند.

این روش، خط فقر ذهنی را تنها براساس درآمد و پاسخ افراد تعیین می‌کند و قادر نیست تفاوت‌های میان افراد یا خانوارها را به صورت هم‌زمان در نظر بگیرد؛ برای مثال تفاوت در سن، اندازه خانوار، سطح تحصیلات یا وضعیت شغلی. از این رو، اگر هدف لحاظ کردن این ویژگی‌ها باشد، نمی‌توان یک خط فقر واحد برای همه افراد تعریف کرد و لازم است خط فقر ذهنی برای هر گروه موردنظر به صورت جداگانه برآورد شود تا ویژگی‌های هر گروه به درستی منعکس شود.

شکل ۲. خط فقر ذهنی براساس شاخص یودن جی [۱۳]



1. Dichotomized Data
2. Youden J Index
3. Zelinsky



در شاخص یودن جی برای تعیین خط فقر ذهنی، هدف یافتن سطح درآمد C است که بیشترین تعداد خانوارها را به درستی به دو گروه فقیر و غیرفقیر ذهنی دسته‌بندی کند. به طور رسمی، شاخص یودن جی با استفاده از حساسیت (Se) و ویژگی (Se) تعریف می‌شود:

$$J(c) = \max \{Se(c) + Sp(c) - 1\}$$

که در آن $Se(c)$ نشان‌دهنده درصد خانوارهای فقیر که درست شناسایی شده‌اند و $Sp(c)$ درصد خانوارهای غیرفقیر که درست شناسایی شده‌اند. برای محاسبه عملیاتی با داده‌های واقعی درآمد، فرمول به شکل زیر استفاده می‌شود:

$$J(c) = \max \left\{ \frac{\sum_{i=1}^m I(X_i \geq c)}{m} - \frac{\sum_{j=1}^n I(Y_j > c)}{n} \right\}$$

در آن $X_1, X_2, \dots, X_m$ درآمد خانوارهای غیرفقیر، $Y_1, Y_2, \dots, Y_n$ درآمد خانوارهای فقیر و $I(D)$ تابع شاخص است که خروجی آن ۱ در صورت درست بودن شرط و ۰ در غیر این صورت است. بخش اول $\frac{\sum_{i=1}^m I(X_i \geq c)}{m}$ درصد خانوارهای غیرفقیر درست دسته‌بندی شده را نشان می‌دهد و بخش دوم $\frac{\sum_{j=1}^n I(Y_j > c)}{n}$ درصد خانوارهای فقیر که اشتباه دسته‌بندی شده‌اند را نشان می‌دهد. با بیشینه کردن این اختلاف، مقدار C بهینه مشخص می‌شود و بهترین خط فقر ذهنی تعیین می‌گردد [۱۴].

۷. مطالعات موردی: سنجش فقر ذهنی

۷-۱. آمریکا

در بررسی روش‌های اندازه‌گیری فقر ذهنی در آمریکا، سه پرسش استاندارد کلاسیک معمولاً به‌عنوان مرجع مطرح می‌شوند: پرسش‌های درآمد حداقلی، مخارج حداقلی و ارزیابی درآمد. در مطالعه‌ای در مینه‌سوتا، برای سنجش فقر ذهنی، پنج سؤال در نظر گرفته شده است که جنبه‌های مختلف زندگی فرد را دربرمی‌گیرند. این پنج سؤال عبارت‌اند:

۱. یک فرد باید دقیقاً چقدر درآمد ساعتی داشته باشد تا دیگر فقیر شناخته نشود؟
۲. حداقل سطح تحصیلاتی که فرد باید داشته باشد تا از تله فقر دور بماند چیست؟
۳. یک فرد حداقل باید چند دوست صمیمی و قابل اعتماد داشته باشد که در مواقع بحران مالی به او کمک کنند تا احساس فقر و درماندگی نکند؟
۴. یک خانواده از چند فرزند به بالا دیگر نمی‌تواند هزینه‌ها را مدیریت کند و فقیر محسوب می‌شود؟
۵. آیا کسی که امروز فقیر است، می‌تواند در آینده از این وضعیت خارج شود یا در آن گرفتار می‌ماند؟ [۱۵]

۷-۲. فقر ذهنی در مالزی

یکی از تحقیقات مهم در زمینه فقر ذهنی، مطالعه آژانا عثمان^۱ در مالزی است که با هدف تعیین معیارهای فقر ذهنی و ارائه شاخص فقر ذهنی انجام شد. این تحقیق بر ۵۰۷ متقاضی زکات فقیر و نیازمند در ایالت ملاکا تمرکز داشت و داده‌ها با ترکیب روش‌های کیفی و کمی جمع‌آوری شد. این تحقیق در چهار مرحله انجام شد:

مرحله اول: ارزیابی مشارکتی فقر^۲

برای درک بهتر تجربه فقرا از فقر و تدوین سیاست‌های کاهش فقر، این مطالعه از ارزیابی مشارکتی فقر استفاده کرده است. جامعه هدف شامل دریافت‌کنندگان زکات در سه ناحیه مختلف مالزی بود. در هر گروه، شرکت‌کنندگان دیدگاه‌های خود درباره فقر را بیان کردند و توضیح دادند که چرا خود را فقیر می‌دانند و چه عواملی باعث شده است برای دریافت زکات اقدام کنند. ویژگی‌ها و نشانه‌های فقر که شرکت‌کنندگان تجربه یا احساس می‌کردند باعث فقیر بودنشان شده است، مانند درآمد پایین، بیکاری، تحصیلات کم، مشکلات سلامتی یا نبود حمایت خانوادگی بوده است. تحلیل ویژگی‌ها به‌صورت مرحله‌ای انجام شد:

- مقایسه درون‌ناحیه‌ای: ویژگی‌های فقر بیان شده در هر ناحیه فهرست و با یکدیگر مقایسه شدند تا اشتراکات و تفاوت‌ها مشخص شود.

- مقایسه بین‌ناحیه‌ای: ویژگی‌های استخراج شده از نواحی مختلف با یکدیگر مقایسه شدند تا ویژگی‌های مشترک و غالب فقر شناسایی شوند.

درنهایت، پژوهشگر تحلیل‌ها را تجمیع کرد و فهرست نهایی ویژگی‌های فقر تجربه شده توسط فقرا را تدوین کرد.

مرحله دوم: انجام پیمایش

پس از تدوین ویژگی‌ها، داده‌ها از طریق پرسش‌نامه ساختاریافته و مصاحبه حضوری با جامعه آماری فقرا جمع‌آوری شد.

1. Agnia Osman
2. Participatory Poverty Assessment (PPA)

مرحله سوم؛ بررسی معیارهای شاخص فقر ذهنی

در این مرحله، ویژگی‌های فقر ذهنی از دید فقرا تحلیل و ابعاد آن مشخص شد. سپس پروفایلی از وضعیت فقرا ساخته و چارچوبی سیستماتیک برای اندازه‌گیری فقر ذهنی تدوین شد که با کمک بازخورد متخصصان بهبود یافت و برای محاسبه شاخص فقر ذهنی آماده شد.

مرحله چهارم؛ فرموله کردن شاخص فقر ذهنی

در این مرحله ابعاد فقر ذهنی و شاخص‌های مربوط به آن مشخص شد. وزن هر شاخص تعیین شد و مجموع وزن‌ها برابر ۱۰۰ در نظر گرفته شد. وزن هر بُعد متفاوت بود؛ ولی وزن شاخص‌های درون یک بُعد یکسان بود. نقطه برش تجمعی محرومیت برای دسته‌بندی شدت فقر ذهنی تعریف شد. فرمول شاخص فقر ذهنی (SPI) به شکل زیر ارائه شد:

$$SPI = W_1Z_1 + W_2Z_2 + \dots + W_nZ_n \times 100\%$$

شدت فقر ذهنی براساس امتیاز خانوار به چهار دسته تقسیم شد: فقر ذهنی کم: کمتر از ۲۰، فقر ذهنی متوسط: ۲۰ تا ۵۰، فقر ذهنی بالا: ۵۰ تا ۷۵ و فقر ذهنی بسیار بالا: بیش از ۷۵ [۱۶].

جدول ۱۳. ابعاد، شاخص‌ها و وزن‌های فقر ذهنی در کشور مالزی [۱۵]

ابعاد	شاخص	وزن
وضعیت شغلی و توانایی کار	توانایی کار دارد؛ اما غیرفعال است.	۴,۷۷
	توانایی کار دارد؛ اما کار مناسب پیدا نمی‌کند.	۴,۷۷
تحصیلات	کار می‌کند؛ اما درآمد نامنظم دارد.	۴,۷۷
وضعیت اشتغال	تحصیلات پایین	۱۴,۳
	بیکار و بدون درآمد	۷,۱۵
وضعیت سلامتی	کار می‌کند؛ اما درآمد کافی ندارد.	۷,۱۵
دیگر منابع درآمد	به دلیل مشکلات سلامتی قادر نیست کار کند.	۱۴,۳
	همسر بیکار است.	۳,۵۸
	همسر کار می‌کند؛ اما درآمد کافی ندارد.	۳,۵۸
حمایت اخلاقی	فرزند (بزرگ سال) بیکار هستند.	۳,۵۸
استرس مالی	هیچ یک از اعضای خانواده از نظر مالی حمایت نمی‌کنند.	۱۴,۳
	ناتوانی در پرداخت اجاره خانه	۷,۱۵
	ناتوانی در پرداخت وام	۷,۱۵

۷-۳. بریتانیا

در بریتانیا رویکردی اجتماعی و ادراک‌محور برای بررسی فقر وجود دارد. پیمایش فقر و طرد اجتماعی که هر ۱۰ سال یک‌بار در بریتانیا اجرا می‌شود، فقر را صرفاً به‌عنوان کمبود درآمد یا مجموعه‌ای از محرومیت‌های عینی از پیش تعریف شده در نظر نمی‌گیرد، بلکه آن را پدیده‌ای اجتماعی و ادراک‌محور می‌داند که برپایه هنجارهای رایج جامعه تعریف می‌شود. در این رویکرد، فقر به‌معنای محرومیت از کالاها، خدمات و فعالیت‌هایی است که اکثریت جامعه آنها را از ضروریات زندگی می‌دانند و ناتوانی در دسترسی به آنها به‌دلیل کمبود منابع مالی می‌تواند به طرد اجتماعی بینجامد. اجرای این پیمایش در سه مرحله انجام می‌شود:

- در مرحله نخست، از مردم پرسیده می‌شود؛ کدام کالاها، خدمات و فعالیت‌ها به‌گونه‌ای ضروری‌اند که هیچ خانواده‌ای نباید بدون آنها باشد و اقلامی که دست‌کم ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان آنها را ضروری بدانند وارد مرحله دوم می‌شوند؛
- در مرحله دوم، بررسی می‌شود که افراد کدام یک از این اقلام ضروری را در اختیار دارند و کدام موارد را به‌دلیل کمبود پول نمی‌توانند تأمین کنند، به‌طوری که تنها این نوع محرومیت به‌عنوان فقر تلقی می‌شود؛
- در مرحله سوم، با ترکیب میزان محرومیت از ضروریات و سطح درآمد خانوار، آستانه فقر تعیین می‌گردد.

افزون‌براین، این پیمایش شامل سؤالات مستقیم خودارزیابانه درباره حداقل درآمد لازم برای فقیر نبودن و جایگاه درآمدی پاسخ‌دهنده نسبت به این حد است. از این‌رو، هرچند این رویکرد ابعاد متعددی از زندگی را دربرمی‌گیرد، اما بیش از آنکه نمونه‌ای از فقر چندبعدی عینی باشد، چارچوبی اجتماعی و ذهنی برای فهم فقر است که تجربه زیسته افراد و امکان مشارکت آنان در زندگی متعارف جامعه را در مرکز توجه قرار می‌دهد [۱۷].

۷-۴. فقر ذهنی در عرب بارومتر

در داده‌های عرب بارومتر، تجربه ذهنی فقر در میان شهروندان کشورهای عربی و شمال آفریقا از طریق دو سؤال سنجیده می‌شود. این دو سؤال، تجربه مستقیم شهروندان از محدودیت‌های مالی و دسترسی به نیازهای اساسی مانند غذا را می‌سنجند. سایر بخش‌های عرب بارومتر بیشتر نگرش‌ها و برداشت‌های عمومی افراد نسبت به وضعیت اقتصادی و نابرابری را مورد بررسی قرار می‌دهند [۱۸].

جدول ۱۴. سؤالات فقر ذهنی در عرب بارومتر [۱۸]

سؤال	پاسخ
آیا نگران بودید غذای شما قبل از اینکه پول کافی برای خرید دوباره داشته باشید تمام شود؟	اغلب درست گاهی درست هرگز درست نیست نمی‌دانم پاسخ نمی‌دهم
آیا غذایی که خریداری کرده بودید تمام شد و پول کافی برای خرید دوباره نداشتید؟	اغلب درست گاهی درست هرگز درست نیست نمی‌دانم پاسخ نمی‌دهم



۵-۷. سنجش فقر ذهنی در مرکز تحقیقات پیو^۱

در مطالعات مرکز تحقیقات پیو، فقر ذهنی با استفاده از خودارزیابی افراد از موقعیت طبقاتی‌شان سنجیده می‌شود. در این راستا سؤالاتی براساس ادراک فرد از جایگاه اجتماعی‌اش طراحی شده است. به عبارت دیگر، اینکه چگونه افراد خود را از نظر اجتماعی درک می‌کنند و چه جایگاهی برای خود قائل هستند؛ نشان‌دهنده فقر ذهنی است. علاوه بر این، پیو با استفاده از سه سؤال اصلی به سنجش تجربی فقر ذهنی پرداخته است. این سؤالات مرتبط با ناتوانی در پرداخت هزینه‌های اصلی درمان، مسکن و صورت حساب‌های مالی است. هدف از این سؤالات این است که مشخص شود چه تعداد از افراد جامعه، به رغم داشتن درآمد، خود را در تله فقر حس می‌کنند و در برابر چالش‌های اقتصادی بزرگ و ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه زندگی (مثل درمان، مسکن و غذا) قرار دارند [۱۹].

جدول ۱۵. سؤالات فقر ذهنی در مرکز تحقیقات پیو [۱۹]

سؤال	پاسخ
اگر از شما خواسته شود یکی از این نام‌های رایج را برای طبقه اجتماعی خود انتخاب کنید، می‌گویید که کدام یک قرار دارید؟	طبقه بالا متوسط روبه بالا طبقه متوسط طبقه متوسط روبه پایین طبقه پایین
آیا در سال گذشته در دریافت یا پرداخت هزینه‌های پزشکی برای خودتان یا خانواده‌تان مشکلی داشتید؟	بله نه نمی‌دانم / بی‌پاسخ
آیا در سال گذشته در پرداخت اجاره یا وام مسکن خود مشکلی داشتید؟	بله نه نمی‌دانم / بی‌پاسخ
آیا در سال گذشته در پرداخت صورت حساب‌های خود مشکلی داشتید؟	بله نه نمی‌دانم / بی‌پاسخ

۶-۷. سنجش فقر ذهنی در اتحادیه اروپا

از سال ۲۰۱۳، اتحادیه اروپا به طور سالانه وضعیت فقر ذهنی را در ۲۸ کشور اروپایی از طریق پروژه آماری اتحادیه اروپا درباره درآمد و شرایط زندگی خانوارها بررسی می‌کند. سنجش فقر ذهنی از طریق سؤال «توانایی تأمین هزینه‌های زندگی» انجام می‌شود که نشان می‌دهد خانوارها چقدر قادرند با درآمد خالص خود هزینه‌های معمول و ضروری را پوشش دهند. این شاخص، فشار مالی درک شده را اندازه‌گیری کرده و مکمل شاخص‌های عینی درآمد و محرومیت مادی است. در اتحادیه اروپا، شاخص فقر ذهنی با ترکیب دو پاسخ «با سختی زیاد» و «با سختی» ساخته می‌شود [۲۰].

1. Pew Research Center

جدول ۱۶. سؤال فقر ذهنی در اتحادیه اروپا [۲۰۱۰]

سؤال	پاسخ
آیا می‌توانید با درآمد خالص خود پس از کسر مالیات، هزینه‌های زندگی خانوار را تأمین کنید؟	با سختی زیاد با سختی با کمی سختی نسبتاً آسان آسان خیلی آسان

۸ نتیجه‌گیری

این گزارش با هدف شناسایی و جمع‌بندی شاخص‌های مناسب سنجش فقر ذهنی، مجموعه‌ای از رویکردها و مدل‌های رایج در این حوزه را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان می‌دهد که فقر ذهنی مفهومی چندبعدی است که صرفاً از طریق شاخص‌های عینی مبتنی بر درآمد قابل تبیین نیست و برای درک دقیق‌تر آن، لازم است ادراک افراد از وضعیت اقتصادی خانوار مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا، جدول ۱۷ به صورت تطبیقی مهم‌ترین رویکردها و شاخص‌های سنجش فقر ذهنی اقتصادی را از نظر نوع سؤال مزایا و معایب، امکان استخراج خط فقر ذهنی عددی و قابلیت استفاده در تحلیل‌های کمی مقایسه می‌کند. همان‌گونه که نتایج جدول نشان می‌دهد، شاخص‌های مبتنی بر خودارزیابی و ارزیابی وضعیت مالی، اگرچه ساده، قابل فهم و مناسب پیمایش‌های بزرگ هستند، اما امکان استخراج خط فقر ذهنی عددی را فراهم نمی‌کنند. در مقابل، شاخص‌های پولی نظیر حداقل درآمد ذهنی و حداقل هزینه‌های ادراک شده و نیز تکنیک‌هایی مانند لیدن، نقطه تقاطع، شبه لیدن و یودن جی با وجود بار شناختی بالاتر، ظرفیت عددسازی و پیوند با تحلیل‌های کمی و رگرسیونی را دارند. همچنین، مدل‌های مشارکتی و روش محرومیت از ضروریات با تمرکز بر تجربه زیسته افراد و برداشت اجتماعی از نیازهای اساسی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و هنجاری فقر ذهنی را برجسته می‌سازند، هرچند با محدودیت‌هایی از نظر تعمیم‌پذیری و هزینه اجرا همراه هستند.

جمع‌بندی تطبیقی رویکردهای ارائه شده در جدول ۱۷ نشان می‌دهد که هیچ شاخص یا مدل واحدی را نمی‌توان به عنوان ابزار برتر سنجش فقر ذهنی در همه زمینه‌ها معرفی کرد و کارایی هر رویکرد به عواملی همچون بافت فرهنگی و اجتماعی، هدف سیاستگذاری و نوع پیمایش وابسته است. از این رو، اتکای صرف به یک شاخص منفرد می‌تواند به برآوردی ناقص یا ناپایدار از فقر ذهنی منجر شود؛ به‌ویژه در اقتصادهای ناپایدار و تورمی که ادراک افراد از کفایت درآمد به سرعت تغییر می‌کند.

بر این اساس و با اتکا به نتایج مقایسه‌ای ارائه شده در جدول زیر این پژوهش طراحی یک ابزار ترکیبی کوتاه را پیشنهاد می‌کند که بتواند ابعاد اصلی فقر ذهنی را به صورت هم‌زمان پوشش دهد. ابزار پیشنهادی شامل مجموعه‌ای محدود از سؤالات خودارزیابی ادراک اقتصادی، ارزیابی کفایت درآمد برای تأمین هزینه‌های ضروری، تجربه محرومیت از ضروریات و یک سؤال پولی درباره حداقل درآمد ذهنی است. چنین ساختاری ضمن کاهش بار شناختی پاسخ‌دهندگان و افزایش قابلیت اجرا در پیمایش‌ها به‌ویژه تلفنی، امکان استخراج یک شاخص ترکیبی فقر ذهنی و انجام تحلیل‌های کمی و سیاستی را فراهم می‌سازد و می‌تواند مبنایی مناسب برای پژوهش‌های آتی در این حوزه قرار گیرد.

جدول ۱۷. مقایسه رویکردها و شاخص‌های فقر ذهنی

رویکرد / مدل	سؤالات / ویژگی‌ها	مزایا	معایب
کیفی / خودارزیابی مستقیم	آیا فرد خود را فقیر می‌داند؟	- سادگی و قابل فهم بودن سؤال	- در کشورهای کمی استفاده شده است. - ترس از برچسب خوردن به عنوان فرد فقیر، که ممکن است بر صداقت پاسخ دهندگان اثر بگذارد. - امکان تعیین خط فقر وجود ندارد. - پاسخ‌ها از ثبات کافی برخوردار نیستند و ممکن است تحت تأثیر شوک‌های کوتاه مدت تغییر کنند.
کیفی / ارزیابی وضعیت مالی	به طور کلی چقدر از وضعیت مالی فعلی خانوار خود رضایت دارید؟	- استفاده در ۲۸ کشور - سؤالات کوتاه و روان و قابل فهم - فاقد انگ مستقیم فقیر بودن	- عدم امکان استخراج خط فقر عددی
	وضعیت اقتصادی خانواده خود را در مقایسه با ۱۲ ماه گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟		
	وضعیت مالی فعلی خانواده شما چگونه است؟ پس انداز زیادی داریم، کمی پس انداز داریم، فقط توانسته ایم با درآمد مان هزینه‌ها را پوشش دهیم، مجبوریم از پس اندازمان استفاده کنیم، داریم بدهکار می‌شویم.		
	یک خانوار ممکن است چند منبع درآمد داشته باشد و بیش از یک نفر از اعضای خانوار در تأمین آن نقش داشته باشند. با در نظر گرفتن مجموع درآمد خانوار، آیا خانوار شما می‌تواند از پس هزینه‌های ضروری و معمول زندگی برآید؟ با دشواری بسیار زیاد با دشواری با کمی دشواری نسبتاً آسان آسان بسیار آسان		
کیفی / ارزیابی وضعیت مالی	درآمد کل خانوار خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ - درآمد فقط به اندازه خرید غذا کافی است. - درآمد برای خرید غذا کافی است، اما خرید لباس و سایر کالاها و خدمات ضروری دشوار است. - درآمد برای خرید غذا، لباس و سایر کالاها و خدمات ضروری کافی است، اما خرید کالاها با دوام (مانند تلویزیون، یخچال و ...) دشوار است. - درآمد برای خرید کالاها با دوام کافی است، اما خرید کالاها گران قیمت (مانند خودرو و ...) دشوار است. - درآمد برای خرید همه چیزهایی که فکر می‌کنیم به آن نیاز داریم کافی است.	- استفاده در ۲۸ کشور - ارتباط مستقیم با کارکرد اقتصادی درآمد - قابل فهم برای پاسخ دهنده - مناسب برای تحلیل فشار اقتصادی خانوار	- یکسان نبودن مفهوم هزینه‌های ضروری در بین پاسخ دهندگان - عدم امکان استخراج خط فقر عددی
	درآمد کل خانوار خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ - درآمد فقط به اندازه خرید غذا کافی است. - درآمد برای خرید غذا کافی است، اما خرید لباس و سایر کالاها و خدمات ضروری دشوار است. - درآمد برای خرید غذا، لباس و سایر کالاها و خدمات ضروری کافی است، اما خرید کالاها با دوام (مانند تلویزیون، یخچال و ...) دشوار است. - درآمد برای خرید کالاها با دوام کافی است، اما خرید کالاها گران قیمت (مانند خودرو و ...) دشوار است. - درآمد برای خرید همه چیزهایی که فکر می‌کنیم به آن نیاز داریم کافی است.		
	درآمد خانوار شما... - برای پوشش حداقل هزینه‌ها کافی نیست. - برای پوشش حداقل هزینه‌ها کافی است. - بیش از حداقل هزینه‌ها را پوشش می‌دهد.	- ساده و قابل فهم - کاهش بار شناختی پاسخ دهنده	- دقت پایین - عدم امکان استخراج خط فقر - بیش از حد خلاصه سازی وضعیت مالی

– ناتوانی افراد در پیش‌بینی دقیق وضعیت درآمد آینده	– آینده‌نگری و مرتبط با امنیت اقتصادی سالمندی و بازنشستگی	با در نظر گرفتن همه منابع مختلف درآمد دوران بازنشستگی خانوار شما (از جمله منابع دولتی، مستمری‌های شخصی و شغلی)، فکر می‌کنید درآمد خانوار شما در دوران بازنشستگی تا چه حد برای حفظ سطح زندگی‌تان کافی خواهد بود؟ آیا این درآمد ... بیش از حد کافی خواهد بود. کافی خواهد بود. به سختی کافی خواهد بود. کافی نخواهد بود. به هیچ وجه کافی نخواهد بود.	
– عدم برداشت یکسان در ذهن پاسخ‌دهندگان در مورد مفاهیمی مانند نیازهای اساسی زندگی – حساسیت بالا به تورم و شوک‌های قیمتی	– امکان استخراج خط فقر ذهنی عددی – قابل استفاده در تحلیل‌های کمی و رگرسیونی – ارتباط مستقیم با نیاز ادراک شده – امکان پیوند مستقیم با خط فقر عینی – استفاده شده در ۴۳ کشور	سؤال حداقل درآمد: (MIQ) با توجه به وضعیت فعلی خانواده شما، حداقل درآمد ماهانه برای تأمین نیازهای اساسی زندگی چقدر است؟	
– سخت و وقت‌گیر بودن پاسخ‌دهی – استفاده در تعداد کمی از تحقیقات	– انعطاف‌پذیر برای سطوح مختلف زندگی	سؤال ارزیابی درآمد: (IEQ) فکر می‌کنید خانواده شما در یک ماه برای گذران زندگی به چه مقدار درآمد (خالص) نیاز دارد؟ سطح زندگی بسیار پایین؟ سطح زندگی پایین؟ سطح زندگی متوسط؟ سطح زندگی بالا؟ سطح زندگی بسیار بالا؟	کمی پولی
– دشواری در پاسخ‌دهی و ایجاد بار شناختی بالا برای پاسخ‌دهنده در فرایند محاسبه هزینه‌ها – وابسته بودن به قیمت‌های محلی و زمان	– تمرکز بر هزینه‌های ضروری – مستقل‌تر از ساختار درآمد	سؤال حداقل هزینه: (MSQ) به نظر شما، هر سال چقدر باید هزینه کنید تا نیازهای اولیه خانواده خود را تأمین کنید؟ منظور از نیازهای اولیه، غذای کافی، مسکن، پوشاک و سایر چیزهای ضروری زندگی روزمره است.	
– پیچیدگی محاسباتی	– استخراج خط فقر ذهنی با تابع رفاه	محاسبه خط فقر ذهنی با استفاده از سؤال ارزیابی درآمد	تکنیک لیدن
– نقطه ضعفی گزارش نشده است.	– ساده بودن مدل و راحت‌تر بودن محاسبات آماری – مقایسه مستقیم درآمد واقعی و ذهنی	محاسبه خط فقر ذهنی با استفاده از درآمد و سؤال حداقل درآمد	تکنیک نقطه تقاطع
– وابسته به خودارزیابی غیر عددی	– ساده‌تر از تکنیک لیدن – به لحاظ پیچیدگی در سطح متوسط	محاسبه خط فقر ذهنی با سؤال دلیک و برآورد توابع رفاهی متناظر با هر سطح از گزینه‌های سؤال دلیک	تکنیک شبه لیدن

تکنیک یودن جی	محاسبه خط فقر ذهنی با پرسش توانایی تأمین مخارج و تعیین سطح درآمدی برای مشخص کردن مرز بین فقیر و غیرفقیر	- کاهش احتمال اشتباه در گزارش فقیر یا غیرفقیر بودن خودگزارشی افراد	وابسته به خودارزیابی غیرعددی
مدل دانشگاه مینه سوتا	ارزیابی فقیر یا غیرفقیر بودن براساس: - حداقل درآمد ساعتی لازم برای زندگی بدون فقر - حداقل سطح تحصیلات برای فقیر نبودن - تعداد دوستان قابل اعتماد برای کمک در شرایط بحرانی و سخت - ظرفیت خانوار برای مدیریت فرزندان و فقیر نبودن - امکان خروج از فقر در آینده	- تعداد سؤالات کم و مناسب نظرسنجی تلفنی - استفاده از معیارهای اجتماعی و خانوادگی	- عدم شاخص سازی و تجمیع سؤالات
مدل ارزیابی مشارکتی	جمع‌آوری تجربه و ادراک فقرا و وزن دهی ابعاد فقر ذهنی	- تعیین شاخص‌ها توسط فقرا - کشف ابعاد پنهان فقر - تعیین عوامل فقر براساس تجربه زیسته فقرا از طریق فوکوس گروپ، پیش از سنجش کمی در پیمایش (استفاده از رویکرد آمیخته کمی و کیفی) - عینی سازی فقر ذهنی از طریق وزن دهی، تجمیع شاخص‌ها و تعریف نقاط برش شدت فقر	- مشکل شناسایی و دسترسی به فقرا - تسلط گروه‌های فعال‌تر در تحقیقات کیفی - تعمیم ناپذیری نتایج
روش محرومیت از ضروریات	شناسایی کالاها و خدمات ضروری از نگاه جامعه و سنجش محرومیت	- حساسیت به شرایط زندگی و همخوانی با تجربه زیسته افراد - تعریف اقلام ضروری توسط اکثریت جامعه	- تعداد زیاد سؤالات برای نظرسنجی تلفنی - نیاز به فهرست اقلام ضروری - خسته کننده برای پاسخ‌گو و احتمال ریزش افراد در نظرسنجی‌ها - قابل مقایسه نبودن بین کشورها - هزینه و زمان بالا

۹. پیوست: (سؤالات)



جدول ۱ پیوست. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی بررسی وضعیت اقتصادی به‌طور کلی در گروه شناسایی (۲۰۲۴)

Colombia	Do you consider yourself poor?	Yes No	کلمبیا	آیا خودتان را فقیر می‌دانید؟	بله خیر
Kyrgyzstan	How do you assess the circumstances of your household?	Rich Average Poor Very poor	قرقیزستان	شرایط خانوارتان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	ثروتمند متوسط فقیر خیلی فقیر
Alternative Wordings of the Feeling Poor Question	From age 15 until now, were there periods in which you felt poor?	Frequently Sometimes Seldom Never	عبارات جایگزین برای پرسش احساس فقر	از ۱۵ سالگی تاکنون، آیا دوره‌هایی بوده که احساس فقیر بودن کرده‌اید؟	اغلب گاهی به ندرت هرگز
	When was the last time you felt poor?	In the past year Over one year ago up to five years ago More than five years ago		آخرین باری که احساس فقیر بودن کردید، کی بود؟	در سال گذشته بیش از یک سال پیش تا پنج سال پیش بیش از پنج سال پیش

جدول ۲ پیوست. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی بررسی وضعیت اقتصادی به‌طور کلی در گروه ارزیابی (۲۰۲۴)

Canada	How do you feel about your finances?	Very dissatisfied 0 Very Satisfied 10	کانادا	شما درباره وضعیت مالی خود چه احساسی دارید؟	۰ خیلی راضی ۱۰ خیلی ناراضی
Switzerland	In general, how satisfied are you with the current financial situation of your household?	Not satisfied at all 0 Completely 10 satisfied	سوئیس	به‌طور کلی چقدر از وضعیت مالی فعلی خانوار خود رضایت دارید؟	۰ اصلاً راضی نیستم. ۱۰ خیلی راضی هستم.
Columbia	How do you consider the economic situation of your household compared to 12 months ago?	Much better Better Same Worse Much worse	کلمبیا	وضعیت اقتصادی خانواده خود را در مقایسه با ۱۲ ماه گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟	خیلی بهتر بهتر تغییری نکرده / همان طور بدتر خیلی بدتر



Finland	Compared to the previous year, that is [20XX ⁻¹], has your financial situation	• Changed significantly for the better • Changed somewhat for the better • Remained unchanged • Changed somewhat for the worse • Changed significantly for the worse	فنلاند	در مقایسه با سال قبل وضعیت مالی شما چگونه بوده است؟	خیلی بهتر شده است. کمی بهتر شده است. تغییری نکرده است. کمی بدتر شده است. خیلی بدتر شده است.
Denmark	How is the present financial situation of your household, or in other words	• Do you spend more than you earn? • Do you find it difficult to make ends meet? • Are you able to put money aside?	دانمارک	وضعیت مالی فعلی خانواده شما چگونه است؟	آیا بیش از درآمدها خرج می‌کنید؟ آیا تأمین هزینه‌های زندگی برایتان دشوار است؟ آیا می‌توانید مقداری پول پس‌انداز کنید؟
Lithuania	Which of these statements best described the current financial situation of your household	• We are saving a lot • We are saving a little • We are just managing to make ends meet on our income • We are having to draw on our savings • We are running into debt	لیتوانی	وضعیت مالی فعلی خانواده شما چگونه است؟	ما پس‌انداز زیادی داریم. ما کمی پس‌انداز داریم. ما فقط توانسته‌ایم با درآمدها هزینه‌ها را پوشش دهیم. ما مجبوریم از پس‌اندازمان استفاده کنیم. داریم بدهکار می‌شویم.

جدول ۳ پیوست. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی بررسی وضعیت اقتصادی به‌طور کلی در گروه پیش‌بینی (۲۰۲۴)

Colombia	What do you think your household's financial situation will be like in 12 months compared to now?	• Much better • Better • Same • Worse • Much worse	کلمبیا	فکر می‌کنید وضعیت مالی خانوار شما ۱۲ ماه دیگر نسبت به الان چگونه خواهد بود؟	خیلی بهتر بهتر بدون تغییر بدتر خیلی بدتر
Ukraine	How do you think the material status of your household could change for the next 12 month?	• It will get better • It will remain without any changes • It will get worse • It is difficult to specify	اوکراین	به نظر شما وضعیت مادی خانوار شما ۱۲ ماه آینده ممکن است چگونه تغییر کند؟	بهتر خواهد شد. بدون تغییر می‌ماند. بدتر خواهد شد. مشخص کردنش سخت است.
Belarus	How do you think the material situation of your household will change next year?	• It will get better • It will remain without any changes • It will get worse	بلاروس	فکر می‌کنید وضعیت مادی خانوار شما در سال آینده چگونه تغییر خواهد کرد؟	بهتر خواهد شد. بدون تغییر می‌ماند. بدتر خواهد شد.

جدول ۴ پیوست. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی تمرکز بر کفایت درآمد در گروه ارزیابی (۲۰۲۴)

EU-SILC participating countries	A household may have different sources of income and more than one household member may contribute to it. Thinking of your household's total income, is your household able to make ends meet, namely, to pay for its usual necessary expenses?	• With great difficulty • With difficulty • With some difficulties • Fairly easily • Easily • Very easily	یک خانوار ممکن است چند منبع درآمد داشته باشد و بیش از یک نفر از اعضای خانوار در تأمین آن نقش داشته باشند. با در نظر گرفتن مجموع درآمد خانوار، آیا خانوار شما می‌تواند از پس هزینه‌های ضروری و معمول زندگی برآید؟	با دشواری بسیار زیاد با دشواری با کمی دشواری نسبتاً آسان آسان بسیار آسان
Belarus	How do you assess the total income of your household?	Income is barely enough to buy food Income is enough to buy food, but it is difficult to buy clothes and other necessary goods and services Income is enough to buy food, clothes and other necessary goods and services but it is difficult to buy durables (TV, refrigerator, other) Income is enough to buy durables, but expensive goods (car, etc.) are difficult to buy Income is enough to buy everything we think we need	درآمد کل خانوار خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	درآمد فقط به اندازه خرید غذا کافی است. درآمد برای خرید غذا کافی است، اما خرید لباس و سایر کالاها و خدمات ضروری دشوار است. درآمد برای خرید غذا، لباس و سایر کالاها و خدمات ضروری کافی است، اما خرید کالاهای بادوام (مانند تلویزیون، یخچال و ...) دشوار است. درآمد برای خرید کالاهای بادوام کافی است، اما خرید کالاهای گران قیمت (مانند خودرو و ...) دشوار است. درآمد برای خرید همه چیزهایی که فکر می‌کنیم به آن نیاز داریم کافی است.
Columbia	Your household income.....	• is not enough to cover minimum expenses • is enough to cover the minimum expenses • covers more than the minimum expenses.	درآمد خانوار شما	برای پوشش حداقل هزینه‌ها کافی نیست. برای پوشش حداقل هزینه‌ها کافی است. بیش از حداقل هزینه‌ها را پوشش می‌دهد.
Alternative Wordings of the Feeling Poor Question	How do you assess your household's income during the last year?	• It was sufficient and we saved • It was sufficient but we have not saved • continuously denied oneself the necessities apart from meals • Failed to ensure even sufficient meals • Unable to respond	وضعیت درآمد خانوار خود را در سال گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟	درآمد کافی بوده و توانسته‌ایم پس‌انداز کنیم. درآمد کافی بوده؛ اما پس‌انداز نکرده‌ایم. برای کمبود پول، مجبور شدیم برخی نیازهای ضروری مان (غیر از غذا) را کنار بگذاریم. حتی نتوانسته‌ایم غذای کافی تأمین کنیم. قادر به پاسخ‌گویی نیستیم.
	Change in the household income compared to previous year	• Increased • Remained more or less the same. • Decreased	تغییر درآمد خانوار در مقایسه با سال گذشته	افزایش یافته است. تقریباً ثابت مانده است. کاهش یافته است.
	Your household income:	• Is not enough to cover minimum expenses • Is enough to cover the minimum expenses • Covers more than the minimum expenses	درآمد خانوار شما	برای پوشش حداقل هزینه‌ها کافی نیست. برای پوشش حداقل هزینه‌ها کافی است. بیش از حداقل هزینه‌ها را پوشش می‌دهد.

جدول ۵ پیوست. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کیفی تمرکز بر کفایت درآمد در گروه پیش‌بینی (۲۰۲۴)

Canada	In the next two years do you think your [and your family's] total income will increase, decrease, or stay the same?	• Increase • Decrease • Same	افزایش می‌یابد. کاهش می‌یابد. بدون تغییر می‌ماند.	به نظر شما در دو سال آینده، مجموع درآمد شما [و خانواده‌تان] افزایش پیدا می‌کند، کاهش می‌یابد یا بدون تغییر می‌ماند؟
Netherlands	Do you expect your income/total household income to increase, stay the same or decrease over the next 12 months?	• Increase • Stay the same • Decrease	افزایش یابد. بدون تغییر بماند. کاهش یابد.	آیا انتظار دارید درآمد شما / مجموع درآمد خانوار در ۱۲ ماه آینده افزایش یابد، بدون تغییر بماند یا کاهش پیدا کند؟
Canada	Taking all of the various sources of retirement income into account for your household including government sources as well as personal and occupational pensions and provisions), how adequate do you think your household income in retirement will be to maintain your standard of living?	• More than adequate • Adequate • Barely adequate • Inadequate • Very inadequate	بیش از حد کافی خواهد بود. کافی خواهد بود. به سختی کافی خواهد بود. ناکافی خواهد بود. کاملاً ناکافی خواهد بود.	با در نظر گرفتن همه منابع مختلف درآمد دوران بازنشستگی خانوار (از جمله منابع دولتی، مستمری‌های شخصی و شغلی)، فکر می‌کنید درآمد خانوار شما در دوران بازنشستگی تا چه حد برای حفظ سطح زندگی‌تان کافی خواهد بود؟

جدول ۶ پیوست. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کمی پولی / سؤال حداقل درآمد (۲۰۲۴)

Brazil	Taking into account the current situation of your family, what would be the minimum monthly income needed to "make ends meet"?	برزیل	با توجه به وضعیت فعلی خانواده شما، حداقل درآمد ماهانه برای تأمین نیازهای اساسی زندگی چقدر است؟
Ukraine	What do you think: how much money (according to today's price level) for one of your household members is needed in order to not feel poor?	اوکراین	به نظر شما، با توجه به سطح فعلی قیمت‌ها برای یک نفر از اعضای خانواده شما، چقدر پول لازم است تا احساس فقر نکند؟
Kyrgyzstan	What is your opinion, how much money on average per month at today's price are needed for the family with the same number of people as you have in order to avoid poverty?	قرقیزستان	به نظر شما، برای خانواده‌ای با همان تعداد اعضای خانواده شما به طور متوسط ماهانه چقدر پول لازم است تا فقیر نشود؟
Republic of Moldova	What monthly cash income would meet the minimum needs of one person in order to 'live from day to day'?	جمهوری مولداوی	چه مقدار درآمد نقدی ماهانه برای یک نفر لازم است تا نیازهای حداقل روزمره او برآورده شود و بتواند امورات خود را بگذراند؟
Belarus	In your opinion, what amount of money does your household need to have monthly to meet [satisfy] the minimum needs of all its members?	بلاروس	خانواده شما ماهانه چه مقدار پول نیاز دارد تا نیازهای حداقلی تمامی اعضای خانواده تأمین شود؟
OECD, Question used in the OECD webtool "Compare Your income"	In your country, you would consider a household like yours poor if its income was below [slider where user can select the amount]	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	در کشور شما، خانواری مانند خانواده شما اگر درآمدش زیر [میزان انتخاب شده توسط کاربر] باشد، فقیر محسوب می‌شود.



جدول ۷ پیوست. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کمی پولی / سؤال ارزیابی درآمد (۲۰۲۴)

Armenia	How much money does your family need monthly to make ends meet (survive)? How much money does your family need monthly to live well? How much money does your family need to live very well in a month?	ارمنستان	خانواده شما ماهانه برای گذران زندگی (زنده ماندن) به چه مقدار پول نیاز دارد؟ خانواده شما برای یک زندگی خوب ماهانه به چه مقدار پول نیاز دارد؟ خانواده شما برای زندگی خیلی خوب در یک ماه به چه مقدار پول نیاز دارد؟
Hungary	What (net) amount of income do you think your household would need in a month to live on a very low standard of living? A low standard of living? an average standard of living? A high standard of living? A very high standard of living?	مجارستان	فکر می‌کنید خانواده شما در یک ماه برای گذران زندگی به چه مقدار درآمد (خالص) نیاز دارد؟ سطح زندگی بسیار پایین؟ سطح زندگی پایین؟ سطح زندگی متوسط؟ سطح زندگی بالا؟ سطح زندگی بسیار بالا؟

جدول ۸ پیوست. سؤالات کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (UNECE) در رویکرد کمی پولی / سؤال حداقل مخارج (۲۰۲۴)

your opinion, how much would you have to spend each year in order to provide the basic necessities for your family? By basic necessities I mean barely adequate food, shelter, clothing, and other essential items required for daily living	به نظر شما، هر سال چقدر باید هزینه کنید تا نیازهای اولیه خانواده خود را تأمین کنید؟ منظور از نیازهای اولیه، غذای کافی، مسکن، پوشاک و سایر چیزهای ضروری زندگی روزمره است.
--	--

جدول پیوست ۹. سؤالات پروژه فقر و طرد اجتماعی در بریتانیا (۲۰۰۰)

Which items and activities do you think are necessities that no household should have to go without in Britain? Which of these items do you have, and which do you not have because you cannot afford them?	به نظر شما کدام کالاها و فعالیت‌ها جزء ضروریاتی هستند که هیچ خانواری در بریتانیا نباید بدون آنها باشد؟ کدام یک از این موارد را دارید و کدام یک را به دلیل ناتوانی مالی در اختیار ندارید؟
--	---

جدول ۱۰ پیوست. سؤالات مرکز تحقیقات پیو در مورد فقر ذهنی (۲۰۱۲)

If you were asked to use one of these commonly used names for the social classes, which would you say you belong in?	The upper class Upper middle class middle class Lower middle class or lower class?	اگر از شما خواسته شود یکی از این نام‌های رایج را برای طبقه اجتماعی خود انتخاب کنید، می‌گویید که کدام یک قرار دارید؟	طبقه بالا متوسط روبه بالا طبقه متوسط طبقه متوسط روبه پایین طبقه پایین
Had trouble getting or paying for medical care for yourself or your family	Yes No Don't now/Refused	آیا در سال گذشته در دریافت یا پرداخت هزینه‌های پزشکی برای خودتان یا خانواده‌تان مشکلی داشتید؟	بله نه نمی‌دانم / بی‌پاسخ
Had problems paying your rent or mortgage	Yes No Don't now/Refused	آیا در سال گذشته در پرداخت اجاره یا وام مسکن خود مشکلی داشتید؟	بله نه نمی‌دانم / بی‌پاسخ
Had trouble paying your bills	Yes No Don't now/Refused	آیا در سال گذشته در پرداخت صورت حساب‌های خود مشکلی داشتید؟	بله نه نمی‌دانم / بی‌پاسخ

جدول ۱۱ پیوست. سؤال اتحادیه اروپا در مورد فقر ذهنی (۲۰۱۲)

A household may have different sources of income and more than one household member may contribute to it. Thinking of your household's total income, is your household able to make ends meet, namely, to pay for its usual necessary expenses?	With great difficulty With difficulty With some difficulty Fairly easy Easily Very easily	ممکن است یک خانوار منابع درآمدی متعددی داشته باشد و بیش از یک عضو خانوار در تأمین آن مشارکت کند. با در نظر گرفتن کل درآمد خانوار خود، آیا خانوار شما قادر است از عهده مخارج معمول و ضروری خود برآید؟	با سختی زیاد با سختی با کمی سختی نسبتاً آسان آسان خیلی آسان
---	--	--	--

- [1] Burniaux, J. M., Dang, T. T., Fore, D., Förster, M., & d'Ercole, M. M. (1998). Income distribution and poverty in selected OECD countries (OECD Economics Department Working Papers No. 189). OECD Publishing. <https://doi.org/18151973/10.1787>.
- [2] van Praag, B., & Ferrer-i-Carbonell, A. (2004). A multi-dimensional approach to subjective poverty. Faculty of Economics and Econometrics, Tinbergen Institute; AIAS, Amsterdam Institute for Labor Studies; CESifo, IZA, DIW, University of Amsterdam, The Netherlands.
- [3] Wang, H., Zhao, Q., Bai, Y., Zhang, L., & Yu, X. (2020). Poverty and subjective poverty in rural China. *Social Indicators Research*, 242-219, (1)150. <https://doi.org/10.1007/s0-02303-020-11205>.
- [۴] میرپنجی، س.م. (۱۴۰۲). فقر چندبعدی: روش‌های اندازه‌گیری (زیرنظر دبیرخانه دائمی مقابله با فقر، فساد و تبعیض). دفتر مطالعات بخش عمومی، گروه سیاست‌های حمایتی و مقابله با فقر. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۱۹۶۵۵.
- [۵] معاونت اقتصادی، مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی (۱۳۹۷). اقتصاد به زبان ساده (شماره ۳۷): فقر. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی.
- [۶] کارنامه حقیقی، حسن (۱۴۰۰). نظریه‌های فقر: یک تحلیل تطبیقی. فصلنامه پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، ۵ (۵)، ۸-۱.
- [۷] لوئیس، اسکار. (۱۳۵۳). فرهنگ فقر. ترجمه سیدمهدی ثریا. نامه علوم اجتماعی، ۴ (۴)، ۱۲۴-۱۴۰.
- [8] Buttler, F. (2013). What determines subjective poverty? An evaluation of the link between relative income poverty measures and subjective economic stress within the EU. Pre-print, DFG Research Unit "Horizontal Europeanization".
- [9] Chen, K.-M. (2020). Subjective poverty, deprivation, and the subjective well-being of children and young people: A multilevel growth curve analysis in Taiwan. Department of Social Work, National Pingtung University of Science and Technology.
- [۱۰] آذین، ع، عربی، س و ملکی، ح. (۱۴۰۴). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر فقر ذهنی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۳۰ (۱۳۰).
- [11] Mahmood, T., Yu, X., & Klasen, S. (2018). Do the poor really feel poor? Comparing objective poverty with subjective poverty in Pakistan. *Social Indicators Research*. <https://doi.org/10.1007/s4-1921-018-11205>.

- [12] Bienkunska, A. (2022). Subjective poverty: Theory, measurement and interpretation. Paper presented at International Seminar on Measuring Shared Prosperity and Inclusion: Challenges and Innovative Approaches.
- [13] United Nations Economic Commission for Europe (UNECE). (2024). Subjective Poverty. Prepared by the UNECE Task Force on Subjective Poverty Measures.
- [14] Alem, Y., Köhlin, G., & Stage, J. (2012). The persistence of subjective poverty in urban Ethiopia. University of Gothenburg, Sweden; Mid Sweden University, Sundsvall, Sweden.
- [15] Nandori, E. S. (2021). How have the subjective poverty lines and the perceived consequences of poverty changed during the pandemic in Minnesota? *European Journal of Economics*, 1(1). <https://doi.org/10.46697/eje.2021.1.1>.
- [16] Othman, A., Mohd Noor, A. H., & Abdul Rasool, M. S. (2018). A subjective poverty approach as an alternative measurement in identifying the poor and needy. *International Journal of Zakat*, 102-95, (4)3. <https://doi.org/10.37706/ijaz.v3i4.109>.
- [17] Gordon, D., Levitas, R., Pantazis, C., Patsios, D., Payne, S., Townsend, P., Adelman, L., Ashworth, K., Middleton, S., Bradshaw, J., & Williams, J. (2000). Poverty and social exclusion in Britain. Joseph Rowntree Foundation.
- [18] Arab Barometer. (2022). Arab Barometer Wave VII Questionnaire, 2022-2021. Arab Barometer. <https://www.arabbarometer.org>.
- [19] Pew Research Center. (2012). The lost decade of the middle class. <https://www.pewresearch.org/social-trends/22/08/2012/the-lost-decade-of-the-middle-class>.
- [20] https://ec.europa.eu/eurostat/statisticsexplained/index.php?title=Glossary:Ability_to_make_ends_meet&oldid=688484.



عنوان: معرفی شاخص‌های جهانی سنجش افکار عمومی (۴): شاخص‌های سنجش فقر ذهنی

Doi: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21961>

permanent link: https://report.mrc.ir/article_12009.html

Publisher: Islamic Parliament Research Center of Iran

گزیده سیاستی

براساس نتایج این گزارش، فقر ذهنی و عینی هم‌پوشانی کاملی با یکدیگر ندارند و سنجش ذهنی فقر می‌تواند نارضایتی‌های پنهان را آشکار کند. در این راستا، پیشنهاد اصلی برای سیاستگذاری، استفاده ترکیبی از هر دو رویکرد است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc@majles.ir